

حقیقت

شماره ۱۰۶ بهمن ۱۳۵۹

تبلیغ انقلابی در جنگ

جنگ با نیروهای اعدا - جنگی است که حسن وضع آن -
کوعرانی همکاران سید اده مد - قدرتیانه ایران و خصوصاً سید
داغنه و با وجود باره ای برتری - با کارانه آمریکای غربی
های بدست آید، سطر میرسد که - برای بار دست آوردن بود
با مدنی ادا به باد ایسی - اردست رفسداس در کشور ما بر
جک ، جنگی است عادلانه ، - سید در صفحه ۵

سرمقاله

سازش خفت بار دولت رجائی

مقدمه ای بر سازشهای بزرگتر

سراجام حوالی ساعت ۹
شب چهارشنبه اول بهمن ۱۳۵۹
۱۳۵۹ هوا پیمایی حاصل ۵۲
جاسوس آمریکایی نهران را
به مقصد لجا ایرترک گفت ، و
بدینسان مبارزه بر سر وضد
امپریالیستی که ما تسخیر لانه
جاسوسی آمریکا در آنان ماه
۱۳۵۸ آغاز گردیده بود ، با
مضاحت کامل دولت سردان
سازشکار جمهوری اسلامی که
آنکارا این اقدام خود سه
منافع ملی خلق ما خیانت
ورریدند ، با یک تکسنت
مواجهند .

بمناسبت
چهارم
رفیق شهید

محمد امین
اسدی

نکاتی
در مورد
عملیات
پارتیزانی
خطاب به جانبازان
عملیات پارتیزانی
صفحه ۳

از جبهه های خوزستان

صفحه ۸

درباره اوضاع جهانی روند جنگ امپریالیستی و انقلاب

(قسمت سوم)
صفحه ۱۲

مبارزات کارگران شرکت نفت دراهواز و مارون

صفحه ۱۰

دزدی فاموس شبهه شرعی

صفحه ۱۱

اخبار
کردستان
صفحه ۱۶
حزب توده و
متعدین
صهیونیسم
صفحه ۲۶

نمونه انتقاد یک چپ نما
صفحه ۱۸
گزارشی از اردوی کودتای آمریکائی
(۳)
صفحه ۲۶

یک
تصمیم
مثبت!
صفحه ۱۱

حزب رویونیست فرانسه
مدافع منافع بورژوازی
صفحه ۲۶


با ما بخور
خوانندگان حقیقت
صفحه ۲۰

سازش خفت بار...

بقیه از صفحه اول -
 است ، به رشته تحریر می آوریم .
 بالطبع نمی توان و
 نیا بدبر سر چند میلیاردها دلار پول
 ایران که ظاهراً با زپس گرفته
 شده است حرف زد ، و نه میتوان
 و نیا بد در بارهٔ سایر شروط
 مصوبهٔ مجلس با دست کاریها
 که دولت رجایی در آن نمود ،
 سخن گفت . چه تمامی آن شروط
 و پول ها در برابر عزت ملی ما ،
 در برابر ارزش استقلال ملی ما ،
 پیشیزی نمی آرد . ایران پول
 خود را آنهم جزئی از آن را ، ظاهراً
 هراپس گرفت ، و چند قول و قرار
 سیاستمداران که ابرقدرتها هر
 روز از این نوع قول و قرارها
 را در برابر آنها نگاه می دارند
 لگدمال می نمایند ، رد و بدل
 شد ، لیکن ملت ما را در راه
 انزوی سیاسی از سازمان ملل
 ستم دیدهٔ جهان قرار داد ، و
 عملاً بدست دولت مردان خیانت
 کارکا بینهٔ رجایی ثابت شد
 که میتوان مبارزهٔ بزرگ ضد
 امپریالیستی ملت خون داده
 ای را چنین ساده و بی رودربا
 بستی به لجن کشید و خفت ملی
 را در برابر ستمگران بیستون
 المللی بعنوان پیروزی بخورد
 مردم داد .

حضراتی که بر مسند قدرت
 لم داده اند و قاحت را تا بدانجا
 بگشاییده اند که این سازش بزرگ
 را بعنوان شمرهٔ " انقلاب
 بزرگتر " جامی زنند ، و ساز
 پس دادن گروگانها به شیطان
 بزرگ راناشی از شکست آن
 شیطان نمرئی می نمایند و

پشت سرش هم ادعا های توخالی
 و مردم فریب انقلابیگری کاذب
 را سرمی دهند . کاری را که
 " لیبرالها " نتوانستند در
 عرض ۱۴ ماه گذشته انجام دهند ،
 حزب جمهوری اسلامی و دولت اش
 بشیوه ای سس ناجوانمردانه
 و بار بار و تری و دروغ بنام
 " مبارزه علیه لیبرالیسم " انجام داد .

از جمله تبلیغات پیوج
 روزنامهٔ حزب جمهوری اسلامی
 بعنوان نیروی پشت رجائی
 در مقاله " شکست مفتضحانهٔ
 آمریکا در روند جدید انقلاب " نوشته است : " کسی نمیتواند
 کارائی سیاسی و روش دقیق
 علمی و بینش درست سیاسی
 دولت رجایی را در این مقوله
 (منظور مقولهٔ سازش با آمریکا -
 یکاست) انکار کند مگر این که
 از شعور سیاسی بسیار بائینی
 برخوردار باشد ، " و " استقامت
 رجائی و کابینهٔ انقلابی و تیز
 هوش و با کفایت و از خود گذشته
 او است که سبب شده است پیروزی
 آمریکا بخاک مالیده شود و لسی
 در عین حال این پیروزی در
 مجموع ، پیروزی انقلاب ایران
 و در نهایت پیروزی تمام
 بشریت مستضعف علیه استکبار
 جهانی است . " (جمهوری
 اسلامی ، ۳۰ دیماه ۵۹) . سیاه
 را سفید نشان دادن اینگونه
 است . و این گزاف گویی های
 جو فروشان گندم نما ی حزبسی
 درست در زمانی صورت میگیرد
 که ابرقدرتها ی آمریکا و روس
 برای پیروزی شان کف میزنند !
 سفیر روسیه دروا سنگتن با ابراز
 خوشحالی تبریک میگوید و دو
 ریگان که ده دقایقی پس از سرگند
 خوردنش برای امپریالیستهای
 آمریکا خبر آزادی گروگانها
 را دریافت نمود ، اظهار داشت
 " که امروز روز خوبی است ، من
 آزادی گزوگانها را بعنوان
 یک تبریک احراز ریاست جمهوری
 خود میپندارم . " .
 آری ، اینگونه ملت ما و
 مبارزات ضد امپریالیستی اش

به با دا ستهزاکرفته میشود و همه -
 اش از سردولت مردان حاکم است .
 ملت ایران ، از کارگر
 گرفته تا دهقانان و کسه و روشن
 فکر همه یکدست عصبانی و هاج و
 واج اند که چگونه شمرهٔ جان -
 فشانی هایشان اینگونه خفت
 بار توسط دولت مردان جمهوری
 اسلامی دودستی تقدیم شیطان
 بزرگ میگردد .

ملت ایران با پذیرفاد
 بر آورد ، که خیر این پیروزی
 کذائی ارزانی همان حزب
 معلوم الحال و دولت دست نشان -
 ده اش یا دکه با شیطان بزرگ
 کنار آمده اند .
 ملت ایران سخت از نتایج
 بیج این سازش و سازشکاری
 دولت کنونی و مجلسی که اکثر -
 یتش را جاه و مقام فریفته و از هول
 ابر قدرت آمریکا جنبش ضد
 امپریالیستی مردم ایران را
 به این سادگی می فروشنند و از
 هول نفرت مردم ایران سازش
 با شیطان بزرگ را پیروزی جلوه
 میدهند ، متفردند .

کدام پیروزی؟! کدام
 پوزه بخاک مالیدن؟! کدام
 درایت سیاسی؟! مگر چه گرفته
 اید که اینقدر خوشرقصی می -
 نمائید؟ سرتاپای شروط کذا -
 ئی را بنگرید ، چیزی جز مشتی
 قول و قرار توخالی و پیوج و
 بولهای بی که در اصل متعلق به
 مردم ایران بوده است ، و آنهم
 جزئی از آنها نمیشد ، مگر چه
 چیز گرفته اید ، که اینقدر
 لاپلاط میفاید و دروغ می -
 گوید؟

میگویند که مبارزهٔ یکسکه
 بگردن تسخیر جاسوسخانهٔ آمریکا
 در ایران پیدا شد ، به جهانیان
 کاغذی بودن ابر قدرت آمریکا
 را نشان داد . خوب درست است ؛
 لیکن به هم آن اندازه سازش
 دولت و مجلس با ابر قدرت
 آمریکا نشانگر ضعف دولت و
 مجلس در برابر این ابر قدرت
 بود و کاغذی بودن دولت رجائی
 را نشان کرد ، حداقل پسول
 غذاهایی که از جیب ملت سه

جاسوسان دادید را میگردانید ،
 آنگاه دستکم ادعا میکردید که
 حداقل میهماننداری مفت و
 مجانی برای آمریکا نکرده اید !
 واقعیت را بگوئیم ، دولت
 رجائی از ابر قدرت آمریکا
 میترسد ، هم از کار ترش میترس -
 سد ، هم از ریگان . واقعیت
 را گفته باشیم هدف حزب جمهوری
 و دولت رجائی از بدست گرفتن امر
 گروگانها چیزی جز توطئه گری
 و تبدیل یک جنبش ضد امپریا -
 لیستی به بازیچه ای برای
 قدرت گیری خودشان نبوده
 است . پیروزی ای که حزب کذا -
 ئی از آن دم میزند ، نه پیروزی
 ملت ایران ، بلکه پیسرزی
 حزب در بکجراه کشانیدن این
 مبارزه است ، در تسخیر مقامات
 دولتی است که حزب با سقوط
 دولت بازرگان بدست آورده و
 در اینست که چند میلیاردها دلار
 پول مردم ایران را به جیب
 خواهند زد و کنترل خود را بر
 مقامات بوروکراسی و دولت
 تحکیم خواهند بخشید . پیروزی
 بزرگ حضرات در اینست که سه
 زمینه را برای سازشهای بزرگتر
 خود فراهم خواهند کرد تا آنچه از
 استقلال و غرور ملی ما ایرانیها
 باقی مانده است را به صنار
 بفروشند . این سازش هم از
 جمله برای این بود که این
 کسانی که خیانت پیشگی ایشان
 بسرعت برای مردم مسجل میشود
 و جنگ با عراق را به سازش سیا -
 سی با ابر قدرت ها کشانده و
 سروه آنرا هم بیاورند .

ملت ایران ، کارگران
 و دهقانانی که با هزاران امید
 و شور انقلابی به پشتیبانی از
 این مبارزات برخاستند ،
 دولت مردان سازشکار را نخواهند
 بخشید و آنانرا در دادگاه قضا -
 وت خلق محکوم میکنند .

یکبار در تاریخ گذشته
 ایران ، دولتی چون دولت
 کنونی در برابر تمام حجت
 روسیه تزاری که خواستار اخراج
 مستر شوستر آمریکایی از ایران
 بقیه در صفحه ۲۲

نگاتی در مورد عملیات پارتیزانی

خطاب به جانبازان عملیات پارتیزانی

از طرف ستاد مقاومت جنوب - اتحادیه کمونیستهای ایران

کردن راه و خطرات ناشی از آن در امان باشیم و این امر بسیار مهم است که در صورت عدم رعایت آن احتمال نریزه پذیری ما زیاده است .

ب - وسایل سبک جهت حمل زخمی های احتمالی نظیر برانکا و غیره همراه داشته باشیم .
ج - در کمی دورتر از محل عملیات محلی را برای شرایط اضطراری قرار بگذاریم تا اگر احتمالا کسی از دسته جدا و راه را گم کرد بتوان در آنجا او را پیدا کرد .

ح - دسته نگهبان را برای پشت جبهه استقراری خود برای جلوگیری از خطر احتمالی محاصره و مطمئن از پشت تعیین نمود .

د - در حین رفتن برای عملیات و انجام عملیات نکات زیر را رعایت نمائیم .

الف - از روشن کردن سیگار و رویا کوچکترین ذره نسوز سروصدای جنگ افزار ، سروصدای خود سدیستاد بپرهیزید تا دشمن ما را کشف نکند .

ب - با یحتمل بعد از استقرار شما افراد دسته عملیات را شروع نمود .

ب - ضربه کاری با جنگ افزار سنگین را در همان لحظه اول وارد نمود تا دشمن گیج و قادر به جمع و جور کردن خود نباشد .

ت - در حین عملیات از اوضاع و احوال افراد دسته گاملا مطلع بود و از همدیگر با ید خوبی مواظت کرد و به زخمی ها با ید کمک بسیار نمود تا از محل عملیات دور شوند .

ث - بهتر است دشمن را از یک طرف مشغول و از طرف دیگر فریب کاری را بر او وارد نمود .

ج - عملیات با ید سرعت و تحرک لازم انجام گیرد تا دشمن فرصت جمع و جور کردن خود و اجرای آتش برتر را نداشته باشد .

ح - در هیچ شرایط در وقت ختم عملیات و با زگشت به پایگاه های خود دنیا ید درنگ کرد و مخصوصا طوری حرکت به با زگشت نمود که قبل از روشن شدن هوا به پایگاه های خود رسیده باشیم . گاهی اوقات پیروزی ناشی از عملیات ممکن است ما را متورر به عدم با زگشت موقع نما ید که این بسیار خطرناک خواهد بود . زیرا با روشن شدن هوا از آنجا که تجهیزات ما صرفا جهت شلیخون میباشند دشمن امکان پیدا میکند که به ما ضمه وارد نماید .

ح - بعد از اتمام عملیات حتما ما را دقیق از افسراد دسته گرفته و از وضعیت هر یک از افراد دسته مطلع شویم زیرا احتمال دارد که فردی از ما زخمی و احتیاج به کمک داشته باشد . در بعد از هر عملیات

(بقیه در صفحه ۴)

شما دلوران قهرمان که شب هنگام با قلبی پر از عشق بسه بهین و ایمانی چون کوه استوار با قدمهایی آهسته که برای دشمن رعب آورتر از غرش تانکها است ، در حالی که تپش قلبتان ناقوس برگ و زگران و برق چشمتان همچون ستاره درخشان شویسند . دهنده پیروزی صلح فرداست ، و در حالیکه درمانی دشتهای جنوب برتجا و زگران بعضی بیورش میدرید و شلیخون میزنید و بدانید که گوشه های از حمله های نا ریخ بشریت را نصیب خود میمائید . شما در این جنگ تعمیلی بر مانت ایران ، حرکت قهرمانانه ای انجام میدید که تعادل جبهه ها را به نفع ما بهم میریزد . زدوران بعضی در حالی که همیشه هراسناک از پیورش شما هستند بیجوقت قادر به حرکت مشابه نیستند .

پیام ما همچنین به اعضاء و هواداران جان برکف اتحادیه بی است که در هر جای ممکن به همراه دیگر جانبازان در این حرکت عظیمانه فعالانه شرکت نمایند و با استراحت نمانند و شب را تبدیل به پیروزی صبح گردانید . بنا بر این برای هر چه کوشنده تر بودن دلوریها یگان نکات زیر را رعایت نمائید .

۱ - حتما از پیش تا ریخ وساعت انجام عملیات با ید پرهیز نمود و بهتر است فرمانده عملیات تدبیراتی را برای افراد مراقب این امر با شنود تا حین مطلع از تصمیم ما بشود و در حالیکه دشمن نا فلک گیر است شلیخون را آغاز نمائیم .

۲ - فاصله پایگاه ما با دشمن چندان زیاد نباشد تا در آنرا بی و وقتمان صرف بید نمودن راه طولانی نگردد . بنا بر این با ید از نزدیکترین نقطه به دشمن شلیخون زد .

۳ - قبل از انجام عملیات با ید وسیله دسته های گشنسی در هوا بی روشن منطقه عبوری خود و موقعیت دشمن را سه وقت بررسی نمود تا مطمئن شویم که دشمن در مسیر عبوری ما مین کارنگذاشته و یا تله ای برای محاصره ما نداشته باشد .

۴ - از لحظه بررسی دقیق منطقه عبوری و وضعیت دشمن تا لحظه انجام عملیات با ید دشمن و موقعیت او را تحت نظر دیده بانهای ما قرار گیرد تا از تغییر و تحولات احتمالی دشمن مطلع گردیم .

۵ - قبل از حرکت تدارک زیر را با یددید :
الف - دسته را به تیمهایی کوچکتر تقسیم نمود تا در هر شرایط به همراه هم دیگر قادر به انجام عملیات و هدایت خود باشند .

ب - بدن خود و جنگ افزارهای بان را استوار کا مل نمائیم و هیچ وسیله سراق نداشته باشیم تا حرکت ما برای دشمن مشخص نگردد .

پ - همه جانبازان شرکت در عملیات را از بعد از انجام عملیات و ساعت شروع آن مطلع نمائیم .

ت - مهمات مورد نیاز کافی برای مدت عملیات و احتمالات بعد از آن به همراه داشته باشیم .

ث - حتما راهنما و آینه را به محل و موقعیت دشمن و ... خود را به ما داشته باشیم تا از گ...

پیام ستاد مقاومت جنوب - اتحادیه کمونیستهای ایران - آبادان بمناسبت

چهارم رفیق شهید محمد امین اسدی



چهل روز از شهادت رفیق محمد امین اسدی یکی از فرزندان راستین ملت دلاور ایران میگذرد. رفیق محمد امین اسدی عضو فعال و برجسته اتحادیه کمونیستهای ایران از همان ابتدای مبارزه رژیم مزدور بعثت به میهن و انقلابمان طبع رهنمود سازمان عمالانه در مقام و مت عادلانه مردم انقلابی میهنمان شرکت نمود و در کنار همسران رزمنده اش در جهاد ساس زندگی از هیچ کوششی برای بیرون راندن دژ خیمان بعثی دریغ ننمود.

او که به خوبی درک کرده بود که تنها رژیم مزدور بعثت یکی از عوامل توطئه های امپریالیستهای بر علیه انقلاب خونین ملت ایران است افتخار داشت که در دفاع از انقلاب و میهن ارجمند عزیزش، وجود گرانمایه اش را هدیه نماید.

رفیق محمد امین اسدی عمر خود را تمام در مبارزه بر علیه استبداد دودر راه کسب آزادی و استقلال میهنمان و آرمانهای الهی زحمتکشان میهنمان سپری نمود. اگر چه خانواده اش سه او نتوان فرزندی بزرگ خانواده نیا ز فراوان داشتند لکن مسئولیت را مقابل خانواده هیچگاه او را از قبول مسئولیتهای سنگین در مقابل خلق ستم دیده مان باز نداشت. رفیق محمد امین اسدی با خلق روحیه انقلابی مردم ایران بود. همچنانکه در وصیتنامه اش مینویسد: "هرگز زیر بار زور نروید" و "قربان ملت ایران گردم که پیروزه" امپریالیستها را بخاک میمالند، او هرگز سرخ را با رت دژ خیمان ترجیح داد و قربان آرمانهای گرانسنگ ملت کبیرا ایران گشت.

زندگی مبارزاتی رفیق محمد امین اسدی بسیار آموزنده

است. او نمونه بارز یک کمونیست انقلابی در پیوند با زحمتکشان میهن و همچنین در پیوند با مسلمانان انقلابی میهنمان بود. در محل کارش در جهاد ساس زندگی آبادان در دوستان و همکاران خود تا شیرسیار رازنده ای گذاشت. صداقت و فداکاری او و همچنین روحیه سرشار و خستگی ناپذیرش، همکارانش را به او نسبتاً علاقمند گرداند. همه آشنایان و همکاران وی میگویند یکی از آرزوهایش، انجام مسئولیت های محوله به بهترین وجه بود.

ما یاد رفیقمان را در شرایطی گرامی میداریم که گورستان آبادان این جایگاه مقدس شهدای سینما رکن آبادان، کسبه نموداری از حماسه های تاریخ ساز و دشمن شکنانه ملتشان است، هنوز در زیر باران خمپاره های دژ خیمان بعثی قرار دارد. در حالی که در کنار محله ها و صدها نفر دیگر از شهدای عزیز جنگ بخاک سپرده شده اند، و در اینجا و دیگر نقاط ایران صدها نفر به کاروان شهدای میهن و انقلاب پیوسته اند. شهدائی که استقلال و آزادی میهنشان از جان شان عزیز تر بود! شهدائی که شیفته ملتشان بودند. آنها افتخار داشتند که بعنوان شیفته گان میهن و انقلاب عاشقان جان دهند. یاد همه این گلگون کفان زنده نام در دل های خروشان ملت انقلابی ایران زنده و جاوید است.

ستاد مقاومت جنوب - اتحادیه کمونیستهای ایران - آبادان - ۵۹/۱۰/۴

حقیقت اتحادیه کمونیستهای ایران

را بخوانید
و پخش کنید



نکاتی در مورد...

بقیه از صفحه ۳

سایده جمع بندی کامل از آن نمود و اشتباهات را مشخص و نقاط مثبت را تعیین نمود. پیروزی از آن ما و نابودی از آن تجا وزگران است. ستاد مقاومت جنوب - اتحادیه کمونیستهای ایران - آبادان - ۵۹/۱۰/۱

تبلیغ انقلابی...

بقیه از صفحه اول... ما را به انجام و استقامت در آن ناچار گردانیده و ناگزیر تحمیل سختی ها، رنجها و مصیبت های سررگی را طلب میکند. در این جنگ سرنوشت انقلاب، استقلال کشور و عروزمی ملیت با مطرح است. صدرنهای غارتگر جهان، آمریکا و صدا انقلاب منطقه بدست صدام تکریتی ملعون سعی در سه راه سود آوردن مردم ما، درهم شکستن اراده ما و سرانجام خفه کردن فریاد انقلابی توده های بی باحاسته ایران وطنین آن فریاد دودر میان مثل رسر ستم این منطقه بحر ان رده را دارند. طرح اولیه آنها با سه اصطلاح آن بیروری سرو آسانی که فرار بوده تشکیل حکومت بونالی صدا انقلاب ورتکسه، فراری در جنوب بحر شود در همان آغا رکا رشکت خورد؛ لیکن دشمن همچنان سرمرس هاشی از کشور ما را در اشغال خود دانسه و مدها هزارین امر مردم ما را در آوارگی و حاسه بدونی سکهداشه است. آنها تا به راه سودر آوردن مردم ما در هم تکس و خرد کردن توان رزمی ما، که سه یک دم آن را می توان به نوع و سیران سلاح وسیع، به دم راه وحدت مولادین، اراده و اعتماد محکم در میان خود سلاح بدستسان مرهوشد است. و سرانجام ما را در تسلیم کننا سیدن سیرو های جا کم ترا بسوی جنگ، از پای نخواهد داشت. مگر آنکه محکم سرفرمان رده شود و تکست سحورسد. به آنکه صرفا طرحها...

یشان شکنند بلکه تو ایشان بشکنند و منافع سشترشان و بلکه سو جودیت خودشان به مهلکه افتند. برای هر رزمنده ای در این جنگ باید روشن باشد که همه آن کما نی که نخواهد با دشمن، سلسله سیروهای مهاجم مزدور میسر. بالیستیا، دانش کنید، همه آن نیروهای که نخواهد راه سندرست سیاسی، راه سوسل نه قدرتها و راه تسلیم در ایسن جنگ را در پیش گیرند و سدیسن مفصود غنمه یاس و سدیسی و بالاخره تفاتی و جند دستگی را در میان نیروهای در حال جنگ ما و میان مردم ما سازگنند، بدترس دشمنان مردم ایسن کشورند و مثنی وطن فروش سی حرمت سین نیستند. همه آنها نی که در میان توده های ملت در نقاط دیگر کشور، در خارچ از مناطق جنگی، به انحراف اذهان مشغولند، به روحیه رزمی و آماده باش مردم ضربه میگویند، و ردیلا نه به ایحاد تحزیه در صفوف مردم، ناخشنود گردانیدن مردم و سرکوب و تحقیر شورانقلابی مردم میگویند، به شکست، و تهاهی مادر این جنگ خدهت میکنند.

جنگ کنونی می توانست مقدمه ای برای جنگهای بزرگ سروطولانی سرتی باشد و توده های این کشور را به برای جنگ های سرگشور و طولانی سرتی آماده شوند. بدون سکرشنه جنگهای از این قبیل و بلکه شدیدتر از آن و سکرشنه جنگهای که ضرورت تحولات انقلابی در کشور آنها را ایجاب خواهد کرد، هیچ راهی برای نیل به آزادی مردم و استقلال کامل کشور نیست و برای طبعه کارگرم، و برای ما کمونیستها که متعهد سرتی سیروی طالب آزادی و سعادت و سرفراری خلق خویش هستیم، چاره ای جز سورا سیر صفت و جانکاه ولی تاریخ ما و سعادت آورنده، اس جنگها سباشند. اگر مردم ایران در این جنگی که ما برپا لیسها و سوگراشان...

سختی های جنابدار، به آنها تحمیل کرده اند، سیر و سوزند، به تنهایی قدرت مقابل آنها سلسله قدرتهای سلطه گرا فزایش می یابد و این قدرت ها را با دشواری بیشتری در نقشه های آتی سلسله روستو میبکند، بلکه یک کام ما را به کوبیدن جریان های سازش و تسلیم در کشور و سلطه، طنقانی و سیاسی دشمنان مردم نزدیک تر خواهد کرد. بعلاوه این سیروی، به رشد انقلاب در منطقه، که به نوبه خود تا سیر مثبتی بر روند مبارزه در کشور ما خواهد داشت، یاری خواهد رساند. اما اگر این جنگ به شکست کشیده شود، به سازش و تسلیم آلوده گردد. چنانکه جهت گیری آن در جریان زد و بند دولت هوجی های فاسد رسر گروگانهای آمریکائی که ملا به چشم خورد. آینده خفت ساری برای مردم و کشور پیش خواهد آمد و چه سا ایران به سادگی به جولانگاه نیروهای بیگانه، به میدان جنگهای درهم داخلی نوا میبا دخالت مستقیم خارجی تبدیل شود و در عین حال صفوف توده های مردم برانگنده گسرد و حصار ب تسلیم طلبان و مشنر بان با زار کودتا در تهر ان افزایش یابد.

یک انقلابی آگاه باید اهمیت این جنگ را خصوصاً در میان سیروهای که جان خود را در حسیه ها برای آزادی و استقلال این کشور فدا میکنند کاملاً نوحه کند و با نشان دادن عواقب شکست و سازش نکست ساری در حسیه جنگی ضرورت با بدار و سیروی کامل در اس جنگ راه آنها بفهم گرداند. باید سرحلاف روس سسه ما رو سرفره افکانه، محافل و سادی ارتجاع و حاسهای راست و حیات پیشه، که برای نیل به اهداف خود در تهران، به کوسیدن روحیه توده سارساران، با ساران و سیروهای سیرظا می داوطلب در حسیه ها و سهم ردن وحدت میان اسپا متغوس...

لند، روحیه رزمی آنها را در اساس آگاهی دادر در، عا هبت و اهمیت خود جنگ و سلسله خودشان ارتقاء دادند. سراسر وحدت با ای در دمان آتی سلسله کوشید، با پدرو حسیه و سلسله سیرین برستی را در میان ایسن سیرو ها، در سالی حسیه ها، افزایش داد و در برابر سیر سستی روزالت و فنا حسیه سو سلسله و سالی حسیه سیران ارتقا سلسله ساز سارسر سیران، که سلسله کوچکترین و فنی به حال سلسله فعال جنوب و غرب کشور، سلسله سیهکاریها و حاسه ظلی های خرد مشغولند، و همچنین در برابر سیر با ره کوشی های با زین خورده های ریز و درشت سیاسی، از سیر و شیا مت و با بدار ایسن سلسله دفاع کرد و در این زمینه به تقویت و تشویق ایشان سرخاست. با ید آن چنان روحیه و اعتقادی در میان کارگران سلسله که دا و طلبیا نه در حسیه ها مضور دارند و در میان سربا زو با سدار هرا سلحه بدست ساد های بوجود آید که حتی اگر دولت و فرمان دهان این جنگ هم خواستار سازش و مایل به تسلیم شدند، به سازش و تسلیم گردن نگذارند و میدان جنگ را ترک نکنند. اگر چه به ادامه جنگ سشیوه های دیگر مجبور شوند.

مردم آماده مبارزه
قاپای جان نگه سلسله،
این شور و انقلابی را
باید شدیداً تقویت
کرده و با تکیه بر این
نیروی اصلی انقلاب
اشاره سشی و اتا و رهوار
کرد!

انحصار طلبان حزبی

مدارس اردبیل را به تعطیلی کشانده اند

دانش آموزان مدارس آرم، مدارس آزادیهای بسی -
درستی تابع شده، در ادامه، مدارس خودخواهان آزادی هم -
رمانشان ... مسوود و در اوقات تنفس و یا هنگام بیرون آمدن
از مدرسه به دادن شعارهایی چون "درسگرمدرسه، همدرس، هم
ساست"، "شورا، شورا، سکردانش آموز"، "معلم مبارک -
همرمدانش آموز"، "رئداسی سیاسی آرادا ساد کردد"، می -
بردارند.....

وقتی همه، حماقتهای بدستمان در سال اوج مبارزات عساکر
ممانند، ارها دی غفاری اس سرکویکرم معروف مبارزات مردم،
جهت سرکوب مبارزات دانش آموزان "دعوت" عمل می آورید.
السه نمونه، دیگران حرکت ارجاعی حزب جمهوری اسلامی، در
سهرآمل اتفاق افتاد، که آرت (!) آمریکائی و کودتا حسی
دعوت کرده بودند، با سه سرکویکرم مردم مبارز آمل سیرداردوئا -
حا که مسوودا فکار مردم را از مبارزه علیه آنها حم عراقی منحصر
سازد. روز ۱۷؛ دسماه هادی غفاری به اردبیل آمده و یک
نطق نفرفه امکانا به ودشمن شادکی ایراد مفرمانند، فعل از این
سخنرانی، حما مداران به مدرسه آرم رخنه اند، و از دانش -
آموزان میخواهند (المتسه زور) جهت سیدن سخن "گوهرما سدا
آقای غفاری به محل سخنرانی ساستند، که دانش آموزان درمقا -
بل اس زورگوئی و فلدریجای حزبی! مفاوم کرده و از رفتن
استماع میکشند. اس عمل باعث میشود که چندتن از دانش آمو -
زان سحاق دستگیر شوند. در دنبال اس دستگیری و از سب هسان
رور، بدسئور هادی غفاری دستگیری دانش آموزان مبارز شروع
میشود، که در عرض دو سب نزدیک به ۱۲۰ نفر دستگیر و زندانی
میشوند.....

رور ۱۸ دی ما دطبق اطلاعیه ای، دبیرستان آرم تعطیل
اعلام میگردد. و چون دانش آموزان در جلوی مدرسه جمع شده و
خواهان بازگشتی مدرسه میشوند، حما فداران به اجتماع آنها
حمله میسربد و بعد از کمک کاری دوساره اقدام به دستگیری دانش -
آموزان میکنند! تا بلکه بدس وسله به حال خامان صدای
آرادی در آرم جقه شود! اما غافل از آنکه اس سرکویکرم هسای
ساواک ما با نه به سها دانش آموزان آرم را از مبارزه یک لحظه
وانصدارد، بلکه دانش آموزان سا سردارس اردبیل را به
شسیاسی همسگران خوش بلندخواهد کرد. مبارزه، دانش آمو -
ران اردبیل و در اس آنها دانش آموزان دبیرستان آرم سر
علمه انداماب غیرفانوسی دادستان، فداشان حزب جمهوری
اسلامی بحی اس و اس مبارزات با بدیا اعلام موضع دانش آمو -
ران سست به حیک عادلانه، اس علیه نخواست و راب فاشیستی عراق
همراه کشند و همچنین سینه انگیزها و آشوبگری های حزب جهو -
ری اسلامی در رما سکه مردم، در گمربک حیک مهنی مساستند، در
ممان مردم افشا، کرده، هادی غفاری آشوکریا با زاردبیل
اجراح گردد.

- مبارزه برای استقلال حدا از مبارزه برای آزادی و دمکراسی نیست
- مرگ برمنحا و زین عراقی و حامی سسان امپریالیسمشان
- شک و بیفرت سربفره افکسان و آشوکریان آزادی گیش

آموران مبارز در مقابل رور -
گوئی های اس دارودسته -
مرتجع به مفاومت جدی سر -
داخته اند، برای آسان سسی
بیشتر به تلاشهای مرتجعانه،
اسادی حزب جمهوری در ارد -
بیل و مبارزه دانش آموزان
، بخش هایی از علامه "هوا -
داران حقیقت" در اردبیل را
که به تاریخ ۵۹/۱۰/۲۰ صادر
کرده اند، عساکر حاب
مکتبیم :

روزی نیست که چندتن نفر از دختران مبارز روز منسده
دستگیر نشوند، روزی نیست که مادران گریه کنان، سسراغ
فرزندانشان را از مدارس نگیرند! اما از طرفی اراده فولادین
دانش آموزان مبارز، کمهر مرتجع را حم کرده و برای بدسب
آوردن خواسته های بحق و ابتدائی هرانسان یعنی دانشس
آرادی های سیاسی، مدیران دست نشانده، دادستان "انقلاب
اسلامی" (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) را کی پس از دستگیری
از مدرسه بیرون مسانداریند. با لخره مدرس حملی همسر داد -
ستان "انقلاب اسلامی" خانم فرسیده، محمدی، که در رژیم سابق
سما سده، حزب رستاخیز بوده (سنا به گفته خودش در مدرسه و
سما سده، امروری حزب جمهوری اسلامی) اخبار سمت ربا سب
دبیرستان انتخاب میشود. در اثر اس انتخاب با درست سبار
دنگرد دختران رزمنده سر علیه اس فلدریها و بی عدالتهی هسا
طمعان کرده و با دادن شعارهای انقلابی و تعطیل نمودن کلاسها
خواهان سرکناری مدرس تحصیلی و آزادی زندانیان سیاسی
میشوند. حماقتهای بیستایی چون مپره های مرتجع، عسکرفالماسی و
عما صری از فداشان اسلام تحب رهبری طا هر عاضی (مانل محاهد
شهید احمد عزیری) و حواهرش، اس مبارزات بحی دسگران
ها رگشنه و هر روزه به اصمعا دسگران مبارز حمله ور میشود و سنا
فاشیستی ترین صورت اقدام به دستگیری و کمک کاری مساران
میکند. البته لازم به یادآوری اس که اس حماقتهای بدسنان در
جد موردا رد دختران ررم جوکتک معملی خورده اسدویا به سسرار
گداشته اند. خانم فرسیده، محمدی همسر دادستان "انقلاب"، سسز
کنک معملی از دب ساران آرم بوش جان کرده اند.....
در ادامه، اس مبارزه، بدسور دادستان "انقلاب" مدرسه را
سمدت بکهنه تعطیل میکند! ولی محصلین در جلوی مدرسه و
آموزش و پرورش اجتماع سموده و خواهان سارشدن مجدد مدرسه
میشود و از طرفی سا برمدارس اردبیل سز به پیشسیاسی اردا -
ش آموران آرم، به اعتراض مپهدارند. دادستان اردبیل
اوج گیری مبارزه دانش آموزان، دستور سارشدن مجدد مدرسه را
صادر میکند، با بازشدن مدرسه دختران سوا سرکوشتهای سسابل
نحسب دانش آموزان، به پیروزیهای بسی دست می ساسد...

از جنبه‌های ۱۰۰

بقیه از صفحه ۸
با نیروهای هوایی و هوای بیروز
ساعت ۱۰ صبح دوشنبه ۱۵/۱۵/۵۹
به نیروهای مزدور یعنی کردند
مریات مهلکی بر فوای بعضی
زاد آمد. نیروهای ما با هما
سنکی و پشتیبانی هوای بیروز
در نیروی هوایی توانستند با
محترمین تلفات بیشترین غرض
بر به دشمن وارد کنند و در عرض
صت کوتاهی نیروهای مهاجم
سخت را در جنوب سوسنگرد و محور
تارخوبین درهم کوبند و تعداد
ریادی را به اسارت بگیرند.
طبق گفته افراد مطمئن حرما
ندهان عراقی در لحظات
شروع حمله فراری شده و نیرو
های بر فرماندهایان قتل
به هیچ واکنشی نشدند. در نتیجه
نیروهای خودی توانستند حدود
۲۲ تا ۲۵ کیلومتر آنها را به
عقب برده و در آن حد در دستگیر
شوند. اسیران عراقی در روزهای
۱۵ و ۱۶ دیماه هواها را زورده
شدند و مورد شناسایی قرار گرفت
متند و حدود ۲۰۰ عراقی را
رو به شب ۱۶ دیماه با قطار به
نهران فرستادند. اما این
بمروزی توانست اشراف را
جهی در افزایش روحیه مردم
اهواز و نیروهای ارتشی و پاس
سار بگذارد. بطوریکه عازان
نزدیک شاهد بودیم هنگامیکه
اسیران عراقی را سوار قطار
میکردند مردم شهید داده و قهر
بان اهواز و خصوصا اعراب
مقیم اهواز با شادی و بیژسه
آنچنان آنها را در آغوش
بستند که دیگر ندانند که

میزدند.

نا پذیرا است. عده‌ای از مشاهده
این منظره پر شور و استقبال
که مردم از طرح حمله میکردند
بی اختیار میگریستند. این
واکنش مردم نشان دهنده حوا
ست قلبی آنها مبنی بر سازش
نا پذیری و درهم کوبیدن
قوانین مزدور یعنی بود. و این
واقفیت در رنگ و تک حرکات
آنها بیوضوح دیده میشد. هنگام
سوار کردن اسیران به قطار در
حالیکه نیروهای انتظامی در
دو طرف آنان بودند، مردم
اهواز تنفر و انزجار خود را از
رژیم بعثی و امپریالیسم
آمریکا با دادن شعار یکشوش
آنان میسراندند. همچنین
مردم شعارهایی نظیر درود
بر خمینی، سلام برینی صدر
سنی صدر حمایت میکنند و
پاسدار، ارتشی حمایت می
کنیم، میدادند. ضمنا بحث
های زیادی در ارتباط با
شترت افکنی حزب چپ سوسیالیستی
اسلامی و کارشکنیهای آن در
!مرحک در میان مردم بگوش
میرسد. بعلاوه انعکاس این
پیروزی در بین مردم روحیه
افراد پاسدار و سربازان را نیز
بسیار بالا برده و این در حرکات
و جنب و جوشی که در میان آنها
پدید آمده بود، دیده میشود.
ضمنا در روز ۱۶ دیماه
هنگامیکه ۲۰۰ عراقی را سوار
قطار کرده بودند روحانیان
نی که از قرار سردار آخور حزب
جمهوری اسلامی دار بر بالای
یک قطار یعنی رفت و بعضی
دانشت سخنرانی کند. لیکن
مردم بدون توجه به سخنان
به بیژله و با بکوبی و دادن شعار
سرگرم بودند و عطا بن روح
بی چیزی را تحویل نگرفتند.
پیرمردی میگفت "بوسا با
نماها فقط بلده استید حیرت
بزنید" و آن روحانی فرست
جوسی خندیدند.
در در فوول سیر و تاریخ
۱۵ دیماه چهار مزدور استون
پنشنی را در جنگها دستگیر
کردند. اینها شهر را با خمپاره

۱۷ دی ۵۹

صبح امروز دوهلی کویت
از نیروهای ایران برای او
لین با رفران آبادان آمدند
و در حبهه، فیاتیه سدر بسک
ساعت سنگرهای مزدوران بعثی
را بمباران کردند. همچنین
در شب همین روز یک موشک
سه متری از طرف نیروهای بعثی
به ساحل آبادان و از درخت
بان ۱۲ ابات کرد، که از صدای
مهمیب آن اکثر خانه‌ها لرزیدند
و چنانچه در هم خراب شد و یک تن
شهید شد. خوشبختانه احدی
سورحالی از سکنه برده است.
یک موشک دیگر به سبب با نهایی
کوت عبدالله خورده، که هیچ
ضارتی نداشته است.

۱۸ دی ۵۹

مبادله آتش بین نیرو
های ایرانی و مزدوران بعثی
در حبهه آبادان در تمام روز
ادامه پیدا کرد. در ساعت ۷ شب
سویخانه نیروهای ایرانی
هسا هنگ در همه جنبهها بطرف
سنگرهای مزدوران بعثی آتش
گشودند و مدت یک ساعت مواضع
دشمن را درهم کوبیدند.
طی این مدت مردم دلبر آبادان
دان برای تشویق رزمندگان
درون حبههها از تمامی نقاط
تهران تک الله اکبر سر دادند.

۱۹ دی ۵۹

دشمن بعثی که در شب
۱۸ دیماه از غرش توپها و
خفلات دلاوران رزمندگان حبهه
های ما و همچنین از غرش
دلاوران به مردم شهر و وحشت
افتاده بودند از ساعت ۷ صبح
ساعت ۳ ساعت تمامی نقاط
مکونی شهر را زیر آتش توپهای
سکین خود قرار دادند و درختها
بان ۴ احدی را در آتش خمپاره
مزدوران بعثی ۶ تن از هم
شهربان ما، در حالیکه تازه
سازده، خود را با ز کرده بودند.
بشهادت رسیدند. مردم

در حالیکه سنگرش خیا با نهایی
از خون گرم سید ارتشین بسود
با نصرت فریا دمیزدند: "مرگ
بر صدام لعنتی!" عصر همین
روز درختها بان یک احمد آباد
شیر ۲ تن دیگر از همشهریان ما
بر ارتش حبهه‌ها ای بعضی
های مهاجم رخمی شدند. بگو
ارایشان یک معازده را آذین
یحانی بود، که اجاس معازده
شیر بر ارتش حبهه ره درخت
بان بخش شده بود و در خشم بود.
بشک امیرا لیستها از خشم
مردم ما در قبال این همه
جنایتشان در امان نخواهند
ببود.

۲۰ دی ۵۹

طرح حمله در حبهه
آبادان

عملیات حمله در شامگاه
شب ۲۰ دیماه ساعت ۱۲ ۱/۲
بناه آتش سنگین شروع شد.
لازم به ذکر است که در ۱۹ دیماه
آماده‌ساش کابل به همه نیرو
های موجود در حبههها، بیمار
ستانها و بمب بنزن هم داده
شده بود و طرح حمله با ساز در
ضمت استگا هفت و حبهه
دوالفقاری اجرا میگشت. ساعت
۳ ۱/۲ بعد از نیمه شب نیروهای ما
که در سنگرهای اول استگاه
۷ که در سه‌دسته، نفوری
مشکل شده بودند شروع بسبب
بیشروی کردند. اغلب از سربا
زان ارتش و بقیه از اعضای
سپاه و بسیج و دیگران بودند،
و سه تن از فرماندهان ارتشی،
که مسئولان اصلی حبهه‌های
آبادان و خرمشهر میباشند،
در خط اول حبهه در نا ط
۵۰۰ متری عراقیها بر عملیات
بیشروی نظارت داشتند. دسته
اول طبق برنامه پیشروی کرد و
در پی آن دودسته، دیشر حدود
ساعت ۶ صبح اطلاع رسید که
نیروهای مادر سنگرهای دشمن
اند و موفق به دستگیری چند تن
نیز شدند. لیکن اسفناکه نیرو
های ما از کجی بعدی خاص
بقیه در صفحه ۱۰

کارگران شرکت نفت در اهواز و مارون بر علیه سرپرستهای طاغوتی مبارزه میکنند

یکی از اقدامات مسأله روزه جو یانده کارگران شرکت نفت و سایر کارکنان مبارزان - یون بر روی مبارزین صنعت نفت اهواز - پس از قیام بیستم ماه، کوشش برای پاکسازی واقعی شرکت نفت از وجود عناصر پریلید و استبداد رژیم شاهنشاهی بوده است. ولی در پیش برد این حرکت مبارزه جویانه، هواره در مسائل و زیران شرکت نفت چون نوبه گیری و معین فر و وابستگی به دارو دسته حزب جمهوری یعنی یانده گویان - شمس و اسحق اسلامی بوده اند. (ببین ساند بود که بالاخره در طری یک رشته توطئه ها شورای مرکزی صنعت نفت - اهواز را که یکی از پیشرفته ترین و مبارزترین شوراهای کارگری در ایران بود، منحل کردند). این عده تاکنون ساری از وابستگی به رژیم سلطنتی را به سرکارها باز گردانده اند. بعنوان مثال اشخاصی که کارگروندان می چون جوراچی در تیران و تدبین در اهواز ...

اخیرا نیز بدستور شماسی (سمت وی عبادت است از معاون امور اداری و مالی مناطق نفت خیز و مدیر عامل شرکت ملی حفاری) یکی دیگر از این مهره های رژیم طاغوتی، بنام "مانی" به سمت سرپرست - تحت امر اهواز و مارون منصوب میگردد. انتصاب این شخص که فردی ضدکارگر و اطمینان نگر بود، که بعد از قیام کارگران خواهان پاک سازی و بهبود برای مدتی با پنهان شدن در اداره، سرگزی (مبارزه "مین آفیس") از چشم کارگران دور بود ...

خشم کارگران را سرانگیزست و

مبارزه را آغاز نمودند. شوراهای کارگاه های مختلف تعمیرات با صدور اطلاعیه های اعتراضی مسأله امضای کارگران و سایر کمیته های اسلامی، مخالفت خود را اعلام کردند. ولی سه اس اعتراضات سرسبانی داده شد. بنام کارگران و "مانی" شدیده و به درگیری کشیده میشود. با بالاخره در برابر اعتراض کارگران سبب به تصمیمات خود سراسر "مانی" در مورد ساعات کار درگیری به اوج خود می رسد. "مانی" ضدکارگر، دوستن از کارگران بنام های امبد علی - اکبری و حسن حاجیان را مطلق می نماید. کارگران جزء از این خود سرسبانی به تنگ آمده بودند، فردای آرزو به عنوان اعتراض به دفتر "مانی" مراجعه می کنند. در آنجا همپالکی های "مانی" چون شریف پور (که یکی دیگر از اعضای شماسی است) به طرف کارگران حمله و رمی شود. در همین حین خود شماسی با علیزاده - رئیس سرویس های اداری - وارد میشوند و به محض ورود شروع به فحاشی نموده و آنچه تا پیش از خود و هم دستا نش است سزبان می آورد و با کارگران کلاویز می شود. کارگران و کارمندان جز هم متقابل از خود دفاع کرده و این افراد و قبیح را گوشمالی میدهند. با ساداران زمانیکه به محل دعوا میرسند مات و مبهوت متوجه میشوند که مانی که به آنها تلفن کرده بودند، خود عامل اصلی دعوا هستند. شماسی مزدور فرساده مزدگه اسن "چپهای آمریکائی" (!!) را سمن معرفی کنند که

کارگری بنام علی عباسی را بغل کرده و بطرف ساداران هل میدهد!

۳ ساعت پس از این حیران، شماسی سخنانه ای صادر میکند و علاوه بر دو نفر - تعلیفی ۲۰ نفر دیگر را - عنوان "ستون پنجم" (که به راسی برانزده، خسودوی و همپالکی ها بش است) با نامی ۱ - حسن حاجیان، ۲ - امید علی اکبری، ۳ - علی عباسی ۴ - صریزاد را اخراج می نماید.

در حال حاضر وضعیت در

تعمیرات، سخا طران رور - کوئی ها و قلد رمایی ها شدت متشنج است و ناراضی استی از مدیریت بسیار بالا گرفته است. کارگران یکبار چنه نسبت با این اخراج ها معترض هستند. کارگران تعمیرات به دادگساره انقلاب شکایتی نوشتند (رو نوشت آن راه به دفتر امام خمینی و بنی صدر فرستادند) مبارزه هنوز ادامه دارد و کارگران خواهان سرکنشاری "مانی" و بازگشت کارگران مبارز اخراجی هستند!



از جبهه های ...

بقیه از صفحه ۹

حدوده ۵ تن نانک دشمن درمی آیند و تعدادی از ایشان شهید و تعداد بیشتری به اسارت گرفته میشوند. با توجه به شناخت ما از فرماندهان اسن حبه و شحا - عت هائی که از ایشان مشاهده شده و رفتار صحیح ایشان پس از شکست این عملیات، محقق است که علت این شکست صرفا عدم شناخت کافی از جنسیتی و جونی نیروهای زرهی دشمن بوده است. تصور نمی رمت که تانکهای دشمن تا این حد زیاد باشند و علاوه بر نیروهای ما دارای فرای زرهی لازم بودند کارریدن نمی کشند. و اکنون نیروهای ما در مقابل اسن شکست تا سفاکانه خیمیا رهستی منطقه دشمن بود. همبیطور بشرویی در حبه ذوالفقاری نیز، که به طور عمده از سوی افراد فدائیان اسلام صورت گرفت، متاسفانه با شکست روبرو شد و

حدود صد تن شهید و زخمی شدند. در این جبهه یکی از رفقای ما (اتحادیه کمونیستهای ایران) نیز بدست نیروهای مزدور عراقی به شهادت رسید، (نام و شرح حال این رفیق حداکانه در شما ره بعد انتشار مییابد) و رفیق دیگری نیز زخمی شد. از دلایل شکست بشرویی در حبه ذوالفقاری، علاوه بر تانکهای که در باره جبهه ایستگاه ۷ ذکر شد، فرماندهی غیر مسئولانه و روشن لومین ما سانه، حاکم بر گروه فدائیان اسلام بود، که بسیاری از افراد ساده و صادق در میان ایشان را سخت ناراحت و عصبانی کرده است. بدون شک شکست طرح حمله در دو حبه آسپادان نمیتواند تا شیری بر روحیه قوی نیروهای ما در نبرد با دشمن سفاک بعضی داشته باشد، و شکست هائی بدین صورت از امور طبیعی در حرکت عادلانه است و تنها عزم ملت ما را برای جنگ تا پیروزی استوار تر خواهد ساخت.



● سید احمد فاطمی، سرپرست بسیج اردبیل، روحانی است که از طرف مسئولان حزبی قم به این مقام منصوب شده و به اردبیل فرستاده شده است. اخیراً یکی از اعمال شنگین و کشف این فرد "حزبی" را ردبیل برملا کردید. ما چرا از این قرار بوده است که یکی از دخترانی که در بسیج نام نویسی کرده بود، نامش می شود. پس از آنکه ما نوازه، وی از این ماجرا با خبر میشوند، بدنبال شخصی که این بلا را بر ما رسانید، حضراً آمده است، پرس و جو میکنند، بالاخره معلوم میشود

که سید احمد فاطمی، بساوی بمدت ۴ ماه است که رایسطه نام مشروع داشته و حتی اسیر دختران را به پناه آموزش های رزمی !! به قم نبرده است. پس از آن تا بی شدن ققیبه، این روحانی حزبی ما وقاحت و بی پروایی تمام ادعا میکند که این دختر را صیغ کرده است و کار غیر شرعی !!

ما جمع (مروجی) و دادستان انقلاب !! (با ما صامی) حاصی وی هستند، بی پروایی و وقاحت را به نهایت میرساند. اسیران را زنده سینه شربوسی ناموس در نماز جمعه ۱۴ دما، ظاهر میشوند و بدما سننالی قضیه می بردارند. دزدنا موس میگویند: "من این دختر را عقد کرده ام و اینک سه زن دارم."

عقد آقای فاطمی در آورده ام !! چنین است ما هیت این سیه - رویان و اشخاص پلید که بنام "شرع" کدائی و باسم دیس و مذهب، سه دزدی ناموس مشغول هستند.

مردم اردبیل با دایس بی ناموس ها را از شهر بیرون کنند. مردم اردبیل باید سرپرست بسیج و سایر مسئولان امورا خود را با انتخاب کنند. افرادی با بدبیدایی مشغول لیت ها گما رده شوند که خوشنام انقلابی و قدا میریال بیست با شند. مردم با پیدا از طریق شورا های محله و شورا های مردمی شهر، خود به انتخاب مسئولین انقلابی خود بیرون دازند!

دزدی ناموس به شیوه شرعی !!

شرع !! به من اجازه داده ۴ زن بگیرم. پس یک زن دیگر انتخاب خواهم کرد !! و پیش - دسی کرده و مدعی میشود که گمانی را که بنیت سر من حرف زده اند حلال نخواهم کرد !! بدسیال وی. اسام جمعه به سخنرانی می بردازد و می گوید: "من خرد دختر را سه

انجام نداده است. زاین دزد ناموس ۲ زن دیگر هم دارد) ولی عین العمل مردم بسیار خشمگینانه سرد و اس سرد کثیف در تنگنا ذوا ره میگیرد. وی ابتدا سه پانته رفتن سه چشمه، بعد فرا را از شهر را میکند، ولی زمانیکه متوجه میشود همبالیگی هایش در شهر لغتی

(به تلخیص از اعلامیه مورخ ۵۹/۱۰/۲۰ "هواداران حقیقت - اردبیل"، تحت عنوان "سرپرست بسیج اردبیل دزد ناموس از آب در آمد!")

یک تصمیم مثبت !!

اخیراً امام جمعه، مسجد سلیمان، آقای محمد رضا شریک تصمیم مثبت اتخاذ کرده اند و آن هم بنیت که شهر را ترک کنند. جناب امام جمعه، طی یک اطلاعیه خبر "هجرت خود

را با اطلاع مردم شهر رسانند، اند. علت ترک شهر سوسیل است؛ ایشان پس برده است که مردم مسجد سلیمان حاضر سوسوده اند به ایال انحصار و نظامانه وضد دیکر اتیک و ذاذاد بخرا هانه؛ ایشان کردن نهند و سه میس خاطر هم تدبیرا مورد توهین و قرار گرفتن اند. ما بخیسش انتهای اطلاعیه؛ ایشان را عیبما درج میکنیم:

با صلاح اسلامی ایس شهرستان، این شهرستان را ترک میکنم... سده تا حال ۳ استعفا نامه... به دفتر اما مترستانم که جهاب داده نشده ولی مردمی که مسجد جامع شهرستان ار همه جا هرج و مرج بر مسا شد و نمیتوانست بکنتر مسئول برای رسیدگی به کارهای مسجد تعیین کنند نمودن روحانی صلاح آنها است. در شهرستانی که آنقدر مردم سلیمان بی بخاروست و بی تقاوت میباشند کسه کاندیدای اسلامی آنها شکست میخورد جای ماندن نیست. در شهرستانی که سه

دادگاه انقلاب و نه مسئولین دیگر در مقابل گروه های مخالف احساس مسئولیت نمیکند و نه مردم غیر سرت دینی در رنده در مقابل آنها احساس مسئولیت کنند، ماندن در چنین متلکهای مخالفین اثر دیگری ندارد" مردم مسجد سلیمان اینهمه توهین را با خاطر این شنیده اند که حاضر نبوده اند صد آزادی و بنا به میل امام جمعه قیاسم کنند. بهر حال ما این تصمیم مثبت امام جمعه را تا شد می - کنیم و امیدواریم که ایس "هجرت" همشگی باشسد. انشاء الله!

ملات دلیران ایران
 بدون شک یاسخ زندان شکنی به توجاه زانت اشراق یعنی عراقی خواهد داد!
 انجمنیه کمونیستهای ایران



درباره اوضاع

پسهانی

بقیه از صفحه ۱۲

سرای سرکوب مبارات دهقانان، کارگران، دانشجویان و انقلابیهای ملی نرکبه و نصاب بخشیدن به جناح جنوبی تا دوست بسکبک نبودنای نظامی در، س کشور مرسد و بدستال آن موج دست کسری و اختناق بر علیه زحمت کتان و نیروهای انقلابی اوج میگردد، ولی تجربه تارییح نشان میدهد که این گونه اعمال هرگز باعث جلوگیری از سرکوب نی نظامیای مرتجع نگشسته است. اگر تا ه توانست با سر براری دیکتاتور و خفقان جلوی سقوط خود را بگیرد ز نرال اورن هم در نرکبه منبواند در خدمت به مفاصد و اشکتن به خورشفمی هاشن دل سنسدد، برقراری حکومتیای نظامی این چنین نه تنها قدرت امپریالیسم بلکه بدرتستی نشان کرد در جهات متصل او در مقابل مبارات روز افزون مبارات مردم جهان بر علیه رورو سنم و استعمار است.

در فلسطین انعالمی مبارات سر حق مردم فلسطین رشد و ایجا دکسترده ای بافتد است، یکی از ویژگیهای این مبارزه این است که مبارات هر چه بسر رسوده ای شده و از خارج فلسطین بد حاصل کنهده شده است. مبارات مردم فلسطین در مقابل رژیم ترور بستی صهیونیستی سانگسر آرمان انقلابی این ملت برای احقاق حقوق خود منسی بسر آرد برسی در سر زمین مادی

خوش است. مبارات خیبر مردم خیرهای فلسطین بسگرد جلوگیری از اجراع نبرد ازان شهرها بتان توسط رژیم صهیونیستی انعامد سی نوده ای وسیع این مبارات را رومی کرد. دانشجویان فلسطینی مبارزه خویش را اوج مباراتای بسیدید. در شهر هلسبول ۵۵۰ دهنده ای آمور دست بدسگر بندی رده و سبک هراس و سستی بریا صادر شد. در برخی نقاط رژیم صهیونیستی مصمرات حکومت نظامی برقرار رساند. همیای این مبارات حرکت های قهرمان فلسطین به حملات نظامی خویش بر علیه رژیم صهیونیستی ادامه میدهند

بدستال و بدبحران اقتصادی روز افزون و سورم سی سابقه نیز تا رضایینی خود را ببیش از بیش از رژیم صهیونیستی اعلام داشته و اعنصایات و نظا هرات کسرده ای بر علیه این رژیم بریا میدارند. در سال گذشته صدها هزار یهودی از بهشت موعود صهیونیستی به دیگر کشورهای جهان مهاجرت نمودند در چنین شرایطی است که رژیم تروریستی صهیونیستی در زیر ضربات مردم فلسطین و یهودان نارامی در سرایط بسیار وخیمی قرار میگسرد.

در قاره آفریقا بدستال مبارزه مسلحانه چندین ساله مردم ریمانسوه (رودریا) رژیم نژاد پرست بیان اسعبت و مهربه بیان چه اش اسف ایل موزور و اسقوط کرد و بدی سان یکی از یانه های حکومت های نژاد پرست درهم سگسده بد دستال گسب این بروری مردم آفریقا مبارزه برای سل به آزادی و استقلال و علیه نژادپرستی را همچنان ادامه میدهد. در آفریقای جنوبی (آر.ا.ا) مبارزه برای سرکوسی رژیم نژاد پرست این کشور همچنان سی وقتیه ادامه سی با بد. دانش آموزان کارگران و مزدوم تحت سنم

مبارزه نوده ای خویش را سده سنی بسرتند و ارگشته سدن در رادسیل به اهداف و االی خویش ایانی ندارند. دبری نخواهد باشد که این دژ با مطسلاح بسجکه نژاد پرستی سر برای همشدر و بهرنالهدان با ریح نود. مبارزه مردم نامسسا (آر.ا.ا) جنوب غربی برای استقلال از یوج رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی دستا ورده های زیادی داشته و اسن رژیم را محصور کرده تن بسسه بد کرده برای استقلال ساسا عسنا شده سندن.

در شاخ آفریقا مسردم قهرمان آرینده همچنان سبه بنا و مت دلبرانه در مقابل بوش های فاسد سی رژیم نوکروسی، هائله مریم ادامه میدهند. رژیم خورسزومسا شستی هائله مریم علی رغم بر حورداری از کمک های مالی و نظامی از کرملین و استعاده از سرایان و خلسانان کوبا تی و مستتاران نظامی آلمان شرقی بنوانسته است عزم را سخ مردم آرینتره را هب رسدن بد استقلال درهم سگند و سنا و خود مباران های و خسانه دهکده ها و مراغ مردم آرینتره خود در مقابل اس خلیفی اسناده بزا سودر آده اسه در گوشه دیکران مبارزه در محرا حرکتیای یولسا ریوسر برای استقلال این کنورمی جنگید و صریات مرکاری را بر سر و های رژیم وابسته مراکتش وارد آورده اند و هم اکنون مناطق بسیاری آزاد شده و مبارزه برای استقلال کامل صحراندامه می باشد.

در آفریقای لاسین بسر بدستال سرکوسی رژیم آمریکائی سومورا و برزیل بسر سوکران و اشکتی در الاسنا لبا دور رسده است. جهاسه مشاومت و مبارزه منجاسه مردم السالوادور ساسه از عزم راسخ خلقی دارد که ستمیم به رهائی خویش از یوج

اسارت امپریالیسم داستی و در اس راه ارادادن قربانان هراس ندارد. بیروز سبکیان حشگر زمین برست ساسان استمال و در ما سگنی رژیم فاسست و دار و دسته های حرب بر آن در مقابل مفا و مت این مردم بزودی سرنوستی هم سب سوزا در سگنا را گونه و اساه اسران برایشان رژیم حواجدر کسرس مبارات کارگران بر سولسوی و دیگر نقاط مبارات مردم سلی علیه فاسسست مسلط بر این کشور شما می حکاست از رنده و گسترش انقلاب در این قاره بر تلامم دارد.

بدستال او حشگری بحران اقتصاد ای سگساری نورم در کشورهای سرمایه داری بیشتر فته مبارات کار اسار مردم کسرس بافتد اسناد جدیدی می باشد. اسر مبارزه نه تنها بر علیه مفا در شخص این بحران بلکه مبارات ره با نظامی انعامد امیر سالیسی را در بر میگردد. نظامی شدن اقتصاد این کشور ها و رشد نظامی و سلوک سنا امپریالیسمی مبارزه بر علیه نظامی و حشامی باشد. در انگلسان صدها هزار کارگر و لوزکار برود و روسان اعنصایات کارگری بیوستند. در ژاپن یک میلیون کارگر صناع سیمیائی بمبارازات اعنصایات انقلابی خاصی بخشیدند. در ایالات متحده آمریکا همسادهزار کارگرسمت و هزاران کارگرسنا بیع انوموبیل سازی دست مبارات اعنصایاتی زدند. در یونان ۱/۵ میلیون کارگر و لوزکار برود و سس کانسرتان خود دست اعنصایات بردند. اس رسد و کسرس اعنصایات مبارات طبقاتی را با مفا سده آثارهای اعنصایات در سالیای مختلف جنوبی منبوان دند. کمائی که در اعنصایات و راه سالیای شده در صحنه ۱۴

درباره اوضاع جهانی

بقیه از صفحه ۱۳

دهه ۱۹۶۱-۱۹۷۰ شرکت داشته‌اند سالانه ۳۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تن بوده‌اند. در دهه گذشته شمار آبیانه سالانه ۵۰ میلیون تن رسیده است. در سال ۱۹۷۹، ۶۰ میلیون تن در این نوع فعالیتها سهم بوده‌اند و در سال ۱۹۸۰ شمار آنها به هفتاد میلیون رسیده است. رشد چشمگیر مبارزات طبقاتی طبقه کارگر سرشت توده‌ای این مبارزات را نشان میدهد. رشد و گسترش اعتراض توده‌های کارگرشانگر عین باسی نظام سرما به داری یعنی تضاد میان کار و سرمایه است. طبقه کارگر در طی این مفاصلای مشخص با سرمایه انحصاری آینده‌ننده و پیش از پیش به کسب تضادهای عمیق و درمان ناپذیر برای سیستم منحط پی برده و خود را برای سرنگونی قطعی آن آماده می‌دارد.

طبقه کارگر لرستان که هر روز رنگ و سوی سیاسی می‌گیرد و آشکارا بدشمنال سرکشیاری حکومت وابسته به مگدورا سر کشور است نمود و جلوه خاصی داشت. در باره اعتراضات و اعتصابات کارگران لرستان که بدشمنال خود حرکت با بسرا افشارا حامه می‌جمله ده‌ها سال این کشور را به همراه داشت سه تفصیل در شماره‌های حقیقت سخن رانده‌ایم. ولی بدانند های اعتراضی و اعتصابات در سال گذشته حتی در خود شوروی نیز دیده شد. البته اگر امرای رزه کارگران شوروی که بصورت کم کاری در سطح وسیعی صورت می‌گیرد نخواهیم سخن بگوییم آورییم. امروزه در شوروی مردم صرب المثل جالبی دارند. آن‌ها می‌گویند از آنجا نیکه دولت وانمود می‌کنند که ماهروزه از سطح زندگی بهتری برخورداریم ماهم وانمود می‌کنیم که همواره بیشتر کار می‌کنیم. در سوی دیگر جهان در آن جا نیکه رهبران کوس حشوق بخرا اعداد در آورده‌اند. مبارزات کارگران و دیگر مردم این کشور رشد حکمگری داشت. در ماه مه سال گذشته بدشمنال در کبیریه‌های خوشب نارمانی مردم سیا دیوست و پلسن مبارزات آمریکا عمق شبه‌کساری و رژیم فاشیستی سرمایه‌های انحصاری بر ملا کشید. در امانت فلوریدا با طرا و حکمگری مبارزه ساها ن سر علیه سعی نژادی حکومت سرمایه‌های انحصاری آمریکا در امانت مقررات حکومت نظامی و وسیع رفت و آمد شانه‌ها بر فراز صاحب مبارزه سرچیونستان برای کسب حشوق حریف و دیگر اطمینانی ملی در اس کشور پیش از پیش خیره امپریالیسم را منظور که هست ترجمه نمود. با رشد فاشیستی مبارزه جوانان آمریکا سراری ملعی با حشوق تابون نظامی و طبقه‌های برای اوج گرفتار امپریالیسم آمریکا که سده بی

میدانند برای جلوگیری از سقوط وروال دانشی اس با بدبینه حشوق و تنگ و زنده سر ارجحان سنش از پیش دایم بسزیدنا بون نظام و طبقه‌های جاری را بصورت نمود. ولی جوانان آمریکا با تحریک و جمع‌شدن امرای سران در دوران جنگ و ششام حاضر بسزیدنا بون را در کسب برای مطالبه انحصار را با امپریالیسم لیستی آمریکا فریاد می‌زنند. رشد و گسترش بحسبران اطمینانی سیاسی و نظامی جهان امپریالیستی شرایط انفلات راهم در سالک تحسبم و هم در کشورهای امپریالیستی پس از پیش مهیا نموده‌اند. امروزه هم امپریالیسم و هم سوسیال امپریالیسم در مجموع عنصادهای ملی و طبقاتی فراوانی در سرب مرنند. آیا خلقها و طبقه‌های رگر کشورها اجازه خواهند داد ان امرای نسیم با ر دیگر از ان بحران زرف خلاصی یابد؟ این بستگی به رشد و آگاهی مبارزات خلقها و طبقه‌های رگر کشورها دارد. امپریالیسم در مصف تریس حلقه‌های خود صرات حسبران ناپذیری خورده‌ها حزاب و سرمایه‌های طبقه‌های رگر با بدبینه آگاهی اروسات این طبقه

نخس خودی را سنش از پیش درک نموده و با سازماندهی توده‌های وسیع مردم گذار هر چه است آمانگی کامل دار سزیدنا امپریالیسم و سرسال اسرب با نسیم را سرنگون سازند و آینده‌خوش را بسزیدنا برسوان خود گیرند. سرمت را از دست سزیدنا رانده‌کنند و این وظیفه خطیر را با تمام سرما بسزیدنا در شیران صورت اسیرا بسزیدنا بسزیدنا بدشمنال خلاصی از بحران اندازی خویش سزیدنا از بحران سزیدنا آمده و سزیدنا از خویش اسکل و از خویش سزیدنا مدتی چندا داده خواهند داد و با بدشمنال حمل بحرانهای حوس با جنگ افروزی جهانی را بصورت جنگ امپریالیستی می‌کنند تا از بحران نجات پیدا کنند. بهر صورت جنگ هم راه حل نهایی نخواهد بود چه خود جنگ این تضادهای آشنی ناپذیری تا به مرحله غیرقابل تصور اصرایت داده و خواهد باعث انفلات میگردد. طبقه کارگر سازمانها و حزاب آن رسالنی بزرگ بوده‌وش دارند. جرات بسیار زد کنیم بی شک، بیروزی از آن طبقه‌های رگر و خلقهای جهان است.

دهمه نیروهای انقلابی، ملی و ترقی خواه کشور باید متحد شوند و در یک صف به نبرد برخیزند

انحصار ملیان فتنه‌آوران و در روزگار ما مردم مستحق!

انزاد کتب و نشر ایران

اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟

نظری به نامه سرگشاده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بنی صدر

چهارم:

تقدس چیست و چگونه میشکند؟

"مجاهدین انقلاب اسلام" در نامه سرگشاده خود به بنی صدر، ادعا کرده اند که یکی از مختصات توطئه آمریکا برای نابودی انقلاب ایران شکست "تقدس امام" میباشد.

اینکه این ادعا صحیح است یا نه، بماند برای بعد! ولی همینکه یک شخصیت سیاسی را آن چنان جنبه "الهی" و "ماوراء الطبیعه" بخشند، او را عاری از هرگونه خطا و اشتباه جلوه گر سازند، درجا پلوسی از وی مفرجه ها سایه کنند، و بعد هم خود را پیرویی چون و چرای وی معرفی کنند و بنویسند که "ما... امام را بعنوان فقیه و بزرگترین اسلام شناس و اصیل ترین شخص می شناسیم و سعی میکنیم بر اساس آن حرکت نمائیم..." حتماً یکی در کفش دارنند. اما سایر بسیاری مواقع در مورد شخصتهای سیاسی، رمانیکه به این چنین نگردهایی متصل میشوند، بداینکه مقدمات زمین رن آن شخصیت سیاسی را فراهم بیاورند!

"تقدس" اگر جنبه "الهی" و "ماوراء الطبیعه" از آن مستفا نگردد، چیریسب پوچ و بی معنا، اینکه گویا خمینی از عالم عبث کمک میشود، اینکه گویا خمینی را پها مبر اسلام و جانشینان شیعی وی پشتیبانی میکنند و... چیزی است پوچ و بی معنا. البته ممکن است عده بسیار زیادی از مردم چنین باوری داشته

باشند، و واقعاً معتقد باشند که نیروی ماوراء الطبیعی در پشت سر خمینی ایستاده است، ولی برای ما همه، کسانی که به علم معتقدند، این مسایل پوچ و بی معنا هستند. ممکن است این گونه اعتقادات برای مدتی باعث تقویت روحیه مردم گردد و آنها را در مبارزه شان دلگرمی بخشد، ولی در دراز مدت هیچ نتیجه ای جز بی اعتماد کردن توده مردم به نیروی خود ندارد. و باید تا این اعتقادات خرافاتی موارده حدی شود.

ولی در هر حال هر شخصیت ورهبر سیاسی "تقدس" در میان توده مینماید. نه تقدس الهی و ماوراء الطبیعه، بلکه محبوبیتی عظیم در میان توده مردم کسب می نماید. تنها به ایس علت که توده مردم تحقق خواسته ها و آرمانهای خود را در وجود وی می بینند. برای اینکه مردم این شخصیت و این رهبر سیاسی را جکیده حرکت خود می دانند و می بیسند. از این لحاظ اینگونه شخصیت هادر بین توده مردم نفوذی زاید نیست و موجب بیوفایی و نارضایتی می یابند، و نوعی ارضرف توده "برسنیده" میشود، و نوعی به موجودات "مقدسی" بدل میگردند. از همین لحاظ و از همین روایه هم دشمنان انقلاب و دشمنان مردم کوشش در شکستن "تقدس"، شکستن "شخصیت" رهبران جنبهها، و یا حتی حذف فیزیکی ایس رهبران و شخصیت های مهم دارند. چرا که با حذف ایس شخصیت، عامل مهم (و در برخی مواقع حتی عامل تعیین کننده ای) را از درون حرکت

بوده ای می رانند، و آن حرکت را به شکست می کشانند. اس کار را دشمنان انقلاب با رهبا کرده و بازخواست می دهند. ولی هیچ دشمنی فسادر نسبت فقط با شلیغانات و شلیغانات، با اصطلاح امروری "الفاء ایدئولوژی"، "تقدس" یک شخصیت مهم و یک رهبر سیاسی را خنده دار ساخته و آن را شکند. آن رهبر سیاسی و این شخصیت، خود با اعمال و اعمال غلط و زمینه های شکست "تقدس" را فراهم می آورند. دشمنان سیاسی تکیه کردن بر این اعمال و اشغال، با بزرگ جلوه دادن اسن اعمال و اشغال غلط، هدف ارتعاشی خود را به پیش میرد، معنای دیگر آن گریستن مونس به شکستن "تقدس" یک رهبر سیاسی کرده، با دست مضمسن تا شکست آن رهبر را بلیت رهبر را از دست داده. دیگر خواسته ها و امیال واقعی توده مردم را معکس می سازد. و اینکه در جهانی (اگرچه در خدمت جهان) سرخلاف حرکت واقعی مردم تمام بر میدارد. رهبری که احساره دهد "تقدس" اثر شکست میشود، فاسد رهبری را از دست داده است. رهبری که "تقدس" اثر با شلیغانات و شلیغانات و الفاء ایدئولوژی "سکته شود، توان و کسب رهبری را از دست داده است. بهار این گروه سروری سخواهده محو بس و وجود خود در عدل توده مردم را از دست داده، با بد اعمال و اغشال خود را در دست پرده سایه کشند. سنا بر اس اگر رهبری مشاهده نمود که بطور روز بروز رمنسوسیت و نفوذش در میان توده مردم کاسته میگردد، به بدیهه اعمال و رهبرانی، به ساسات و یک قدر

سین که صد نظر سبب کند و غلبه واقعی را در آنجا مینماید. اگر حسین نکند و سالیگر کا هس "تقدس" خود را در "شلیغانات" و "شلیغانات" دشمنان جستجو کند، با خود را میترید و بیاد در صدنلابوشانی واقعیت است. امروزه در ایران "تقدس" امام بیشتر از هر چیز توسط اعمال و اشغال خود امام و کسانی که بیشتر از همه سنگ سیرو و بار خط امام" را به سیند سیرنند، شکسته میشود. "تقدس" امام و فتنش شکسته میشود که مردم ساساده میکنند ساسام" و بر ساسام" خط امام" هر سایشی نتیجه می - گردد. شکسته در رسانهای رسمی و غیر رسمی تحت ساسام" حد شرعی" و "اسرولی عقیده" قانونی و مشروعیت میباشد. زندگانی مردم، تحت لوای "باکسازی اسلامی" و غاطفیت "خط امام" سدازی گرفته میشود. آزاده های بخون دست آمده در دارن و در کارخانه ها، در کوه و در خانه سان در ادا رده و در شکاه و ملاسه در شده ها. دست خدای بدسان "بیروخط امام" مسئولین امور ترسیبی "بیروخط امام" هات های پاکداری "بیروخط امام"، انحن های اسلامی "بیروخط امام" و... نشند ساز میشوند. ... شکسته میشود که مردم ساساده سسند. ساسا سیرس و حاتم سیرس شخصیتها، چون سسسن و آیت رحا سسسن، نورس حلال سسسه در سسسن سسسن سسسن و "خط امام" در جامعه حسود را تبلیغ میکند. "تقدس" امام رمانی شکسته میشود که سسسن را این حاسات ها و حاسات حسد

اخبار کردستان

در باره سربداران در کربلا کربلای معلی

افراد مسلح حزب کمونیست سران مغول و ارتش روسای "بولس" در ۶۵ کیلومتری راه آمل به سوی سربداران راه آمل حرکت کرده و این راه آمل را تصرف کردند. مردم حاکم آمل این سربداران را به سوی روسای حاجی حوش یک محراب در آمل مستقر کرده است. مردم آمل را از سربداران جدا کرده اند. گاه سربداران در راه سربداران در کربلا کربلای معلی در کربلا کربلای معلی

در کربلا کربلای معلی در کربلا کربلای معلی

در کربلا کربلای معلی در کربلا کربلای معلی

در کربلا کربلای معلی در کربلا کربلای معلی

مهر ۱۹۸۰ مطابق با ۶ دیماه ۱۳۵۹ حدود ۵۰۰ سربدار - روسی در فرانسه با کمک مجتمع مسکونی کارکنان سازمان آزادی بخش الجزایری حمله به سربداران کرد. حزب کمونیست فرانسه رهبری میدهد. روزنامه رفرانیه این حزب آبرو و جسیت خود را در توجیه این حرکت سربداران سرتا به سرتا در حال حاضر در توجیه این حرکت سربداران در توجیه این حرکت سربداران

در توجیه این حرکت سربداران

در توجیه این حرکت سربداران

در توجیه این حرکت سربداران

حزب رولینو نیست

بقیه از متعصبان آلمانی آنها انداخته و آنها را احراج میکنند. چنین حریانی بطور مشخص تمام اکنون در بسیاری کشورهای امپریالیستی مالد است. در آمریکا یکی از دلایل رشدیکاری را میامریکایی یکی میدانیند. در آلمان وجود کارگرهای ترک را یکی از علل بحران اقتصادی می دانند. و فرانسها کارگران آفریقایی و بخصوص الجزایری را ... بدین ترتیب بورژوازی کوشش میکنند تا ذهن کارگران بخوان بخاشی متوجه شدن که تحقق روابط اجتماعی به کارگرها رچی - یعنی سربداران طبیعتا اش - منحرف گردد. نمونه ای از این سببها اخبار در روزنامه اتفاق اقتصادی

در روزگرمین (۲۵ دما -



حاج "کذابی روش کنند ، سرخود را با این برنجین تازه بدوای رسیده میگردند خود را از آنها جدا کنند. با اینس کا رودانل با میکی ارجسود در تاریخ سبادگار خواسته کدار در برنج افلات مسروم ایران گام بخوراجند داشت. حی اگر این کار را در لیسوای خط "نقدس" امام استقام دهد.

طایفه کارگروه سرود های اجتماعی دیگر که در بسی نعمتی و کمترین افلات هستند. ساد مکرمانت و حفاظت "عقدس" هیچ کسی نامشود. آنها با بدله سیر حمله خود

آنها کیستند

تحت نام "امام" و "خط امام" صورت میپذیرد، ولی نه خود امام و نه پیروان واقعی امام زبان به مخالفت جدی با این اعمال و افعال نمی گشایند. "تقدس" امام در حال شکسته شدن است. این امری است طبیعی. اولاً بخاطر ضعف تاریخی و طبقاتی امام و جریان اجتماعی ای که وی نمایندگی میکند، یعنی وی و جریان اجتماعی منتصب به وی قادر به سرآوردن امثال

بقیه از صفحه ۱۵



نامه یک کارگر به نشریه حقیقت



برای ما کارگران، کارگران و
با شما، و دست بدست هم بدویم
و همدگر را آگاه کنیم تا
تا حیای ظلم و ستم را بسازیم
اتحاد خود را بسازیم و
خار و زخم را بر سران و صاحبان
شکلات است...
با صدروز یک حکومت عدل
کارگری برقرار شود.
مهرگردد و این قدرت
دوست کارگر شما

السید در اینجا من به مسئله
مبسی پی مردم که ما تا زمانی
گرددیم خود را شناخته ایم
و بدانیم که در این زمانها و
شکستهای ما را در این وقتها
از راه های مختلف بازر
مکتوب شد و ما را سرکوب کردند
و حق ما را محروم کردند و ما
را تا این خود را ستم و آن
بازر تا نبود کنیم، اول ما باید
در این وقت را با دستگیر کنیم
یعنی ستمی که تا ما ستمی
که شکستهای ما را تا ما ستمی
ساخته ایم که ما را تا ما ستمی
و برای دردهای ما مبارزه
بکنیم نمی توانیم تنها ما
تک تک در افتادن ما کارگرها
ها جنگ خود را به پیروزی

گفتند میشود، کاروز که آورده
شما دنبال هر کاری منفرد است
که مسئول آن کارگر است
باشد، من به او اعتراض کردم
و به همکار خودم گفتم نباید
بندبال دست را در روزگوشی
های او بگذاشت، سرپرست اول
با من جرو بحث کرد و من گفتم
که کارگرها ستمداری هنور ستمی
دانند که چگونه به طبقه کارگر
سوی سرمایه دار ظاهر شود
آمدند و طرفداری از سرپرست
کردند، بعد هم سرپرست برای
اینکه حسابی صدای مرا خفه
کنند رفت و برای من پرونده
سازی کرد و چون من بدستاره
کرده بودم کارگران نا آگاه
نراز من دفاع نکردند.

من یکی از همواداران
نشریه حقیقت هستم و میخواستم
نامه را در آن نشریه به چاپ
برسانم، من یک کارگر هستم
و بیشتر از ۶ ماهه با بقیه کارکنان
رم راجع به کارفرما با من
خواستیم کمی با شما کارگرها
در دلد کنیم، من یک کارگر کار
خانه کفش سازی هستم و دو سه
بار است که در مدت این ۶ ماه
با سرپرست درگیرمینوم، همان
طوریکه همه میدانند ما به خاطر
ظلمهای بی حسابی که در زمان
طاغوت به ما میشد، انقلاب کردیم
بیم تا ظالمها را از میان بر
داریم و خودمان حاکم خودمان
باشیم، یعنی شاه را با شما
کشیدیم تا اندازه ای ما بر
قدرتها که در ایران قدرت اصلی
آمریکا بود، ضربه زدیم و لسی
کار را تا به آخر رساندیم به
همین خاطر این خونخواران
بتربیت که هنوز ریشه ها شان در
ایرین مملکت در لاسهای مختلف
وجود دارد و میخواهند با روشهای
مختلفی دوباره بر ما به نیلی
را بسازند که ما را غمگین
که تا وقتی ما کارگران بر ما
انقلاب را بدست خودمان نگذاریم
بیم پیروزی نمی شویم هیچ،
و مع روز بروز بیدار خواهند شد
دیگران هر طور که خواستند
سواست از ما استفاده میکنند.
یک نمونه کوچک را برایشان
مکتوب، یک آدم مصحح سوار
که سرپرست نسبت ما میباشند
و عامل سرمایه دار است، برای
اینکه مرتباً ما را کار بکنند و در
صحن پروبالی را که در نتیجه
فهم بدست آوردیم بکنند
مرتب بر هر کس معیتر باشد
برده مرا می میکنند، مثلاً ما
دو نفر همکار هستیم، همکار
مرا که ۱۰۶ ساعده ای میباشند
بر ما از طرف سرپرست سرا و روز

گزارشی از شرکت کارگران شرکت مهندسی فیروزاد و مراسم ۱۳ آبان

لذا میگفتند فردا زملتان می
آید و شما هم حقوق میخواهید
آشنا به ما خواهیم کنت که سر
کت در راهیما نمی جبه
فردا همه شما به دست و پستی
ما خواهد افتاد و حقوق آخر
ما را میخواهند؛ لذا این جر
کت در متنوع بدست بود اسن
حرکت توانست اشریبتری در
افکار کارگران بگذارد که
همواره آنها مسئولیت شان
را در برابر جریاها روشن کنند
همواره آنها را از بی نفا و نسی
بدر آورده و همه آنها را پس
بدم و پیرو و مندم بشمارند
و کارگرها با هم دست تو نس
بی سر

آمده و نصیحت و اریما گفتند
برادران من بر سر نام حساب
گوش کنند ما زده صدا میرا
نسبی و با کار را انقلابی سنا
در مبارزه؛ انتمادی خلاصه
مستور، لذا شما مبارزه را
در اولیست و پیرو سنا
سند و غیره؛ که ما زهم سنا
سفا و مت کرده و با لاجره بحر
تعطل کار را به کوچک خود شده
و با سجه های نسبتهای دیگر سنا
ما سس های شخصی و وانست
رهسبا رخا با سبای حلستوی
سنا رسیده و در این سببانی و
ظواهرات بردا حلی سببانی
سرا تم جمعیت بکنند کارگرم
کرده و ولی ما زهم همه در مراسم
شرکت که ده بود و دو سه بار
مراسم به خانه ها تا زگنیم
رشد شورا و شور نسبا
جاده بود سنا

روز ۱۳ آبان کم کسم
مرا میرسد در گوشه و کنار رحمت
وصحت از افعال سفارت آمر
یکتا و این عمل انقلابی سکوس
میرسد و در این روزها رمنسد
شرکت فعال کارگران که سنا
ارصد سر سوتند در مراسم فرا
هم میگفت موج روز ۱۳ سنا
کارخانه آمده و قسمت ما کسه
نسبت کوچک کارخانه سنا
شروع به کار بکرده و با موضعه
های ما در دفتر سرپرست جمع
و خواستار رحمت ما سنا سنا و
مسئولین ندیم یکی دو سنا
از شرکت در جمع ما سنا سنا
رند سنا سنا و سنا سنا سنا
با لاجره رشیدی شورا و سنا
از اعضا آن آمده و ما سنا سنا
را با آنها در میان گذاشتیم
که شورا از ی آنها ما سنا سنا
مخالفت و سپس کم کم نوشته

فردتها که در ایران قدرت اصلی
آمریکا بود، ضربه زدیم و لسی
کار را تا به آخر رساندیم به
همین خاطر این خونخواران
بتربیت که هنوز ریشه ها شان در
ایرین مملکت در لاسهای مختلف
وجود دارد و میخواهند با روشهای
مختلفی دوباره بر ما به نیلی
را بسازند که ما را غمگین
که تا وقتی ما کارگران بر ما
انقلاب را بدست خودمان نگذاریم
بیم پیروزی نمی شویم هیچ،
و مع روز بروز بیدار خواهند شد
دیگران هر طور که خواستند
سواست از ما استفاده میکنند.
یک نمونه کوچک را برایشان
مکتوب، یک آدم مصحح سوار
که سرپرست نسبت ما میباشند
و عامل سرمایه دار است، برای
اینکه مرتباً ما را کار بکنند و در
صحن پروبالی را که در نتیجه
فهم بدست آوردیم بکنند
مرتب بر هر کس معیتر باشد
برده مرا می میکنند، مثلاً ما
دو نفر همکار هستیم، همکار
مرا که ۱۰۶ ساعده ای میباشند
بر ما از طرف سرپرست سرا و روز



نمونه 'انتقاد' یک چپ نما

'انتقاد' گومه له به حزب دمکرات

"۱۵۰۰۰۰ دقیقه از آغاز میتینگ نگذشته بود که افسران مسلح حزب دمکرات، عده‌ای پیاپی ده و بیست و سه تا سی و سه بوق ردن و فحاشی به مردم راه و در صفوف جمعیت شدند... آنها ن بر روی مردم اسلحه کشیده و با توهین و ضرب و جرح مردم به کار خود ادامه دادند... سرسری یکی از پیش ترکان کومله ریخته و او را مصروب و خلع سلاح کردند... در گوشه دیگری راننده ماشین بی سیم کومله را پاشین آورده و بنا جوان مرد را نه او را مورد ضرب و کتک قرار داده، ماشین را با خود بردند" و سپس "عده‌ای حدود ۵ نفر که از طرف مسئولان حزب فرستاده شده بودند، با دادن شمشیر "ضد حزب دمکرات را بخاک و خون میکشیم، به طرف مقبر کومله آمدند" این فرازه‌ها همگی از اعلامیه مورخ ۵۹/۱۰/۶ (درباره بهم زدن میتینگ کومله در بوکان) "کومله" بوکان - هستند، یعنی یکی از همزمان حزب دمکرات بر علیه جمهوری اسلامی در کردستان. البته این فرازه‌ها همه محتوای اعلامیه نیست، به ادامه آن توجه کنید: "حزب دمکرات با این اعمال خود نشان میدهد که کوچکترین ارزشی برای دستاوردهای قیام بهمین ماه و جنبش مقاومت... قائل نمی باشد و میخواهد با زور و قلندری آزادیها بی را که قیمت خون من ها و هزارها شهید دست آمده با اعمال کند" و "جرا حزبی سراجا اعلام نمیکند که طرفدار قبا قبا چیان هروشین است...؟ چرا حزب سراجا اعلام نمیکند که فسا در خا همه آزاد است؟" و سپس به برخی اعمال دیگر حزب دمکرات اشاره میکنند "هما منظور

که ما اطلاعاتمان رسانده اسم، جندی پیش پیشمرگان حزب دمکرات ۳ تن از هواداران ما را... دستگیر کرده و مورد سدی ترین شکنجه‌ها قرار دادند" و "دوروز پیش هم هنگامیکه هواداران کومله در یکی از دهات اطراف بوکان خواستند... دفتر... باز کنند، یکی از مسئولین نظامی بوکان حزب دمکرات همراه با تعدادی از پیشمرگان به در ریخته و نقل دفتر را شکسته و اثاث آنرا بیرون ریختند و اطهار را شد که شما حق "کارهای اجرائی" ندارید!"

این اعلامیه را کومله ما در کرده است، بر طبق این اعلامیه حزب دمکرات حزبی است که کوچکترین ارزشی برای آزادی های بخون بدست آمده قائل نیست، حزبی است زورگو و قلندری، حزبی است مدافع قاچاقچیان و پس مانده های ارتجاع، حزبی است مدافع فساد و انحطاط جامعه، حزبی است شکنجه گر، و حزبی است انحصار طلب که خواهان بلطه، بلامنازع در کردستان است. ما که ملابا این اریاسی ها موافقیم و خود با رها و بارها برای این واقعات انگشت گذارده و با دلیل و برهان آنها را افشا کرده ایم، ما نه تنها اسسین خصوصیات ارتجاعی حزب دمکرات را بر شمرده ایم، بلکه ما هیئت واقعی حزب دمکرات، یعنی انگاه آن به عقود الهی و وابستگی آن به قدرتهای بزرگ جهانی عموما، و در شرایط کنونی، به سعادت عراق خصوصا را افشا کرده ایم. و گفته ایم و هشدار داده ایم که این حزب وابسته و ارتجاعی، نقش کارگر را بر قدرتها در کردستان ایفا

میکند و هیچ قدمی بحر تحقیق سلطه، این قدرتها در کردستان ایران را ندارد. و از این رو با بدبینانه دشمن اصلی خلق کرد و یکی از دشمنان طبقه و انقلاب ایران شناخته شده و با آن مقابله جدی شود.

ولیکن کومله از زاویه ای انحرافی و سخت تنگ نظرانه و محدود و "انتقاد" از حزب دمکرات بلند شده است و در حقیقت در عمل به لایوناسی خنثی است های حزب دمکرات می بردازد، توجه کنید:

"بنا بر این با توجه به زورگویی ها و اعمال ضد دمکراتیک حزب دمکرات، به توجه اینک ما تا به حال با در نظر داشتن مصالح جنبش مقاومت و بخاطر جلوگیری از امکان سوء استفاده جمهوری اسلامی از این وضع، نهایت صبر انقلابی و شکنجائی را خرج داده ایم. اما حزب دمکرات در اینگونه اعمال خود حری تر شده و وجود حرات داده میتینگ یا راهم بزند، سر سریشمرگ ما ریخته و اسلحه اش را بغارت کرده و ماشین بی سیم ما را سرقت کند" (همه تاکیدات از ما است) کومله جدا عصانی شده است!! ولی عصا نیتش بیخود است! کومله عصا نسی شده است چون حزب دمکرات به "کومله" حمله کرده است. کومله به فکر مصالح جنس، بکسر منافع خلق کرد و انقلاب ایران نیست، ب فکر مصالح گروهی خودش است. کومله زمانی که حزب دمکرات به دهقان کرد زور میگوید و قلندری میکند، از دهقانان کرد میزور مال میباید می گیرد، به ناموس دهقانان کرد نگاه می کند، جدا سن در صحنی آید و لاند بخاطر مصالح جنبش

مقاومت "و عدم "سوء استفاده" جمهوری اسلامی از آنها افشا - گری نمی کند، ولی زمانیکه حزب دمکرات "حرات میکشد" و پیشمرگه کومله را خلع سلاح میکند، دشمنها مسرود!! کومله زمانیکه حزب دمکرات به دهقانان ترک حمله میبرد، دهات ترک بسن را به آنس می کشد و همرا اعمال ننکین ملاحظنی را تکرار میکند "بخاطر مصالح حسن مقاومت "و عدم "سوء استفاده" جمهوری اسلامی صداش در نمی آید، ولی زمانی که حزب دمکرات "حرات میکند" و ماشین بی سیم کومله را می دزدد اعلام مقاومت تا بای جان را می سماید. کومله زمانیکه حزب دمکرات علنا و رسما قاچاق در کردستان را سا زمان داده و خود در اس آنست از قاچاقچیان (که بسیار ایشان آدم های سیج راه ای هستند) در مرزها باج میستاند، (بسیار با صلاح گمرک میگیرد) چیزی نمیگوید، ولی زمانیکه کومله حمله میکند، دشمنها مسرود. کومله زمانیکه حزب دمکرات سردشت را روز و شب به خمیازه و توپ میبندد و مردم آن دیا را با طرا بنک با حزب دمکرات مخالفند کشتار میکند، صداش در نمی آید، کومله زمانیکه حزب دمکرات رسما و علنا کردستان را به جو لانگه مرتجعین بعضی در آورده است، زمانیکه افسران شاهی و ساواکی ها در شکلات حزب دمکرات، بوفور بافت میسوند و مقامات احساس بافته اند، زمانیکه تمامی سلاحهای ایس حزب از طرف بعث عراق تا مین میشود هیچ نمی گوید... کومله همه اینها را هم میدانوسی بقیه در صفحه ۱۹

نمونه انتقاد...

بقیه از صفحه ۱۸...
 نبود، و به همین دلیل هم هست که ما میگوییم اینگونه "انتقاد" از حزب دمکرات "انتقادی" است که حنا ییتها و خیا نتیای تنگیی رنگین حزب دمکرات را لایبوسا نی میکند.

کمی که وابستگی حزب دمکرات به بیگانها را افشا نکند کسی که زورگویی و زلفدی حزب دمکرات به دهقانان و زحمات دهقان را افشا نکند، کسی که مناییتها بی که حزب دمکرات در حق زحمتکشان ترک روا میدارد افشا نکند، کسی که نزدیجها و عارتها ی حزب دمکرات را برملا نکند، کسی که نقشه های پلییدو نسطانی حزب دمکرات برای تبدیل کردستان ایران بسسه پایگاهها بر قدرتتها و بعث عراق را برملا نکند، کسی که همداستا نی فتودالهای مرتجع و پسین مانده های رژیم شاهنشاهی با حزب دمکرات را نکوید، و بسا - مظلح بخاطر "مصلح" جنبش مقاومت!! وعدم "سسو" استفاده!! جمهوری اسلامی آنها را لایبوسا نی کند، این کس ایدا و املا در گفته خود مبنی بر دفاع از منافع خلق کردو انقلاب ایران صادق نمی توانند باشد. و بالاخره دیریا زودکا - ملاوتها ما همان سیاستهای ارتجاعی این حزب کذابی را در عرصه کردستان و ایسران پیاده خواهد کرد، هم چنانکه هم اکنون کومله و قماش کومله کما بیش در همسویی با حزب دمکرات - آگامانا آگامه -

حرکت میکنند. (ا بس نکته را در همین جا توضیح میدهم کسه منظور ما اساسا جهت گیری سیاسی این گونه نیروهاست، اگر چه سکی است در آشفه این گروهها با حزب دمکرات بر سر اعمال قدرت ترکردستان بر علیه - بکدیگر اسلحه هم بکنند.) راستی به چه دلیل کومله از جمله خود بیشتر از جمله حزب دمکرات به حقوق دهقانان کرد و ترک برانگیخته مشرد؟ به چه دلیل برای کومله، وابستگی و روابط بسیار حسنه حزب دمکرات به بعث عراق، ارزش "افشاری" "مداردولی رندانی کردن ۳ پیشرکه کومله با بندر مهم است؟ رینه؟ این انحراف خطرناک در کجا جواسیده است؟ رینه؟ این انحراف در بنی چپ تنها با سرو سکیست آماندای جواسیده است کسه گریمنا تکدر بیسیاری از شرورهای سیاسی دیرون خا معه با و منجمله کومله میباشد. آن مئی شروع - تسکیست ما با نه های که دشمنان اصلی انقلاب ایران را بساد فراموشی می سپرد و رژیم جمهوری اسلامی را بمشاسسه دشمن اصلی خود قرض میکشند و شمور می نما بد که میارزد برای سرنگویی رژیم جمهوری اسلامی بر اداختن جنگ داخلی علیه آن در شرایط کنونی - بمتابه "ادامه انقلاب ایران" میباشد. و پیرو همین مشی ترو تسکیست ما با نه است کسه واقعیات دهشت آوری چون اتحاد رسمی حزب دمکرات با علنی قاضی (کوری رش) - ایس جاسوسی سیا - نادیده گرفته شده میشود، چون در مقابل "تضاد عمده" یعنی جمهوری اسلامی رسا دهم مهم نیست!! سرو همس مشی است که در واسط گسترده حزب دمکرات و بعث عراق در مقابل "تضاد عمده" یعنی جمهوری اسلامی با دیده گرفته میشود، سرو و همین مشی است که همکار ی حزب دمکرات و سا هر زنگاری (همس عوامیل

است که تویا کومله، خلی ملسه شان مبارزه کرده است) پیروی خلوکتری از سروی ارتسین سوی سروان برای مفا لسه با ارض مئی، سادسه کرصد میشود، پیرو همین مشی است که شعبه های "سوریکسی" استفاده از سادسین عراقی و حمیوری اسلامی زده منود و آن راه تا کسک ما نوسه دون در مبارزه صدزایی نشبه مئی کشند!!... آری پیروی از چنین مشی چپ نما با سسه است که ما عت ترا موشی دستان اصلی انقلاب مردم و بالنتسخه فرا سونی خود مردم و جنوی آنها میشود. در پیروی از اس مشی، کومله تنبیساست نیست!

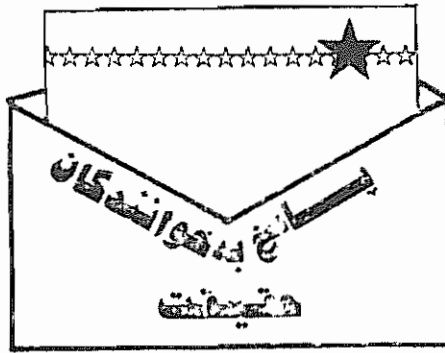
کومله از جهت دیگری نیز به ورطه سکوت در مقابل خیا - نهای حزب دمکرات کسسه مشرد. کومله همواره بجای اینکه از دیدگاه انقلاب ایران و مصلح عمومی جنبش دمکراتک و خدا میر با لیسینی مردم ایران، به جایگاه حرکت خلق گردینگرد، در صفا صالسا را وارونه مطرح ساخته است کومله همواره از زاویه تنگ خود مختاری کردستان "سا - بل انقلاب ایران را کرسسه و بقول معروف به انحراف "کرده ایی" دچار گردیده است. این انحراف نیز در کوتاه آمدن (ملاسم ترین لفظی که میتوان انتخاب کرد) کومله در مقابل حزب دمکرات موثر بوده است و روز بروز کومله را در ورطه همسویی با سیاستهای حزب دمکرات کشانده است.

کومله اگر واقعا مخواهد راه خود را از راه حزب دمکرات جدا سازد، باید هم قاطعانه حزب نبوده...
 بقیه از صفحه ۲۳...
 این مبارزات انقلابی همسر روزی، بر مبنای سیاستهای ارتقردت روس، در پارلمانی اسرائیل ضمن همراهی با

بر طبقه مئی حاسما به سرو - تسکیست ما با نه غالب سرو سا بیجان بر خورد، و هم در کسکه مفا لده خلقی کرد سدون، بل نطقی مسائل انقلاب دموکرات - سک و صا احر با لیسینی مردم ایران قابل حل نیست و خوا - هد...

خلاصه کسیم، امروز با سد برحم افشا ساز ره، جسدی و مولی با حزب دمکرات، سسه مفا لده سک حزب ارتجاعی، حا - شی و وابسته سکا سدرادر کرده شان ایران سوا فراشت - اگر مخواهم خلق کردیکار دگر بحره، تلخ دوران بار - راسی خاش را بخش، با سسه استکار صورت بیدرد، امروز با بدداس و نقشه های نسطا - نی اس حزب مرتجع برای توده های زحمتکش کردستان سروسی توضیح داده سوود - بیت سبنا رگونه، این حزب با خلق کرده و انقلاب ایران نشان داده شود، هر کس چنین بکنند و نه "انتقادات" آکی واس - العرب ما با نه نیست به اس دارودسته، بریر سنده کسند، در حقیقت اهداف واقعی اس حزب را مستور و در عمل آگاه ما نا آگاهانه، به سش برد ساسیای این حزب و تحقق اهداف آن بساری رسانده اسب، افشرد، حادق و مبارزین اصلا خلق کرد سهرت است به اس موضوع، به واقعات موجود در کردستان و به خطر سدون موقعیت انقلاب در ایسران سبش بر سنده شد!

صهیونیستهای تحار همسری ژنرال پیر جوان سرنگویی!! صهیونیستهای تحار همسری سکیس میگردد، و در حسن شرایطی است که جز توده های بزرگ سدون و توده های راب عظم خلق فلسطین، برای حزب کمونیست "اسرائیل، اس همکار و همدست صهیونیست کف سرنسند.



یاک در خور است از خوانندگان حقیقت

برای بهبود و نظم ستون "پاسخ به خوانندگان" توجه دوستانی را که برایمان نامه و پیشنهادات و سوالات می فرستید به نکات ذیل جلب می نمایم:

- ۱ - نامه دارای تاریخ و نام نویسنده (نام مستعار) و شهر باشد.
- ۲ - نامه را خوانا و حتی المقدور کوتاه بنویسید.
- ۳ - بخش پیشنهادات و انتقادات و سوال ها را بطور جداگانه بنویسید.
- ۴ - در صورتیکه به مقاله مشخصی رجوع میشود، عنوان مقاله، شماره نشریه و صفحه آن و در صورت امکان نقل قول بخش مربوطه ذکر شود.
- ۵ - سعی شود که بر سوالاتی که از اهمیت بیشتری برای پیشبرد جنبش انقلابی برخوردار است تکیه گردد.

از همکاری شما سپاسگزاریم.

*** نامه رفتی از اهواز حاوی سه انتقاد درباره کمیوهای نشریه دستمان رسید. نویسنده این نامه درخواست کرده است که نشریه بیشتر مسائل لیبرال لیسم را در حالی که بر سر ترسیف و توجیه آن در گرفته توضیح دهد. و نیز در باره جنبش کارگری و مسائل آن و نیز به آن سخن از اغیار مهمی که توسط رسانه های رسمی و دولتی گفته نمی شود و با تحریف میگردد، برخورد گردد. انتقادات و پیشنهادات شما را در مدنظر خواهیم داشت.

*** نامه دیگری از طرف رفقای دزفول که در ضمن آن انتقاداتی شده است دستمان رسید و در پاسخ به رفقا خاطرنشان می سازم که مطالبی که ذکر نموده اند در نظر گرفته خواهند شد، هر چند که برخی پیشنهادات نظیر اضافه کردن صفحات درباره مسائل هنری و غیره فعلا متسلسل نیست. موفق باشید.

سوال

ما هست و ویژگی های ذاتی حاحجابی از هیئت حاکمه نئوزدر نوعی دمکراسی خواهی بورژوازی نمایان میگردد، که باید مورد توجه قرار گیرد. بعبارت دیگر اسطوره نیست که همه جناحهای حاکم استبداد طلب هستند، لیکن تحت فشار بوده های مردم برخی از آنها آرادخواه شده اند. با بده مسائل جاری در جامعه همه خواست و اقتضات را در نظر گرفت.

دیگر اینکه پیشنهاد شده است که در "هریک از مقالات نشریه در بحث هسا و تحلیلها، مواضع حقیقت عنوان شود و تمام برخورد، همه جانبه و مشروح باشد" دیگر اینکه رهبری طبقه کارگر و سواست خاص این طبقه را در تک مقالات سه عنوان یک آلترا تئودر مقابل دیبگر طبقات عنوان کنیم. اینکه در هر یک از مقالات نشریه مواضع حقیقت عنوان شود، کوشش برای بوده است که شود در ورده همه جانبه بودن نیز سعی برای بوده است، لیکس توضیح مشروح مواضع سازمان با مشکلات روزنامه نگاری و محدودیت های آن مواجهاست که امیدوارم رفته رفته رفع گردد. در مورد رهبری کردن طبقه کارگر و سواست خاص این طبقه در تک مقالات کوشش برای بوده است. لیکن توجه رفیق را به این مطلب جلب میسازم که رهبری طبقه کارگر را باید در عمل سه دست آورد و اینکه در هر مقاله صحبت از آن شود، بخودی خود دردی را دوا نمیکند. در عین حال طرح بیرونه طبقه کارگر و مساله رهبری آن بسته به موضوع مورد بحث دارد که در این زمینه سعی خودمان را کرده ایم.

در انتقادی بر مقاله "کودتاگری اسر قدرتها" در حقیقت ۹۹، رفیق نوشته است: "در باره اگراف آخر صحبت از لزوم شکل خلقهاست بر ضد کودتا، ولی متاسفانه درباره رهبری طبقه کارگر جنبه کلیدی دار سکوت میشود. آمارفقا معتقدند بدون رهبری طبقه کارگر خلق متشکل خواهد شد و قاطعانه بر ضد کودتا مبارزه خواهد کرد؟ اگر لزوم ندارد رهبری توسط کارگران باشد پس باید اقرار کنیم که بورژوازی (با خصوصیات ارتش) و خرده بورژوازی (با خصوصیات خود مرکزینی و عدم شکل دبیری و براب کنندگی) قادر به رهبری هستند!!" در بخش آخر این مقاله پس از بررسی وضعیت در کشورها شبکه در احاطه انقلاب

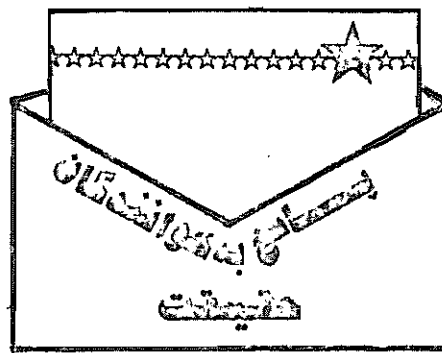
نامه ای بدون امضاء درباره مساله مطرح در نشریه های شماره ۹۸ و ۹۹ حقیقت دستمان رسید. در این نامه چند سوال طرح شده که بطور خلاصه بدین قرار می باشد:

در مقاله "بیرامون سفر آقای رفسنحانی" درباره اینکه کدام طبقه اجتماعی توانایی حفظ استقلال سپهر را دارد، بحثی شده. لازم است ذکر است که موضوع مورد سوال شما در مقالات متعددی از نشریه حقیقت مورد بحث قرار گرفته است. نظریه رفقا را به این نکته جلب میکنم که هدف از هر مقاله تفاوت میکند، برخی صرفا تحلیلی است و برخی علاوه بر تحلیل و تفسیر به راهنمود و راه حل های مناسب می پردازد. توجه داشته باشید که مواضع سازمان را نه از یک مقاله، بلکه از یک مجموعه اظهار نظرها باید برداشت کرد.

در بخش دیگری از نامه این رفیق مدخواستیم "در این مقاله همه مبارزات جامعه محدود به هیئت حاکمه شد. و زمانیکه امروزه برای دمکراسی توده ها صحبت میشود، تنها زمانی است که به طرفداری از یکی از این جناحها بلند میشوند، در حالیکه مبارزه ها تنها محدود نشده و اساسا مبارزات توده ها در جامعه از جمله مدارس، خیابانها، کارخانه ها شروع شده و با زتاب خود را در تلاش میدهند و بالعکس."

پاسخ اینکه

اولادرفی آن مقاله مبارزه برای دمکراسی بطوریکه جامعه مطرح نشده است، بلکه از جمله از حرکت توده های مردم برای آزادی نزع رفته است (مفحه ۱۰ ستون ۳). ثانیا اینکه جنبش آزادخواهان توده ها از جمله حمایت از یکی از جناحها در برابر دیگری سرخاسته، یک واقعیتی است که در آن مقاله ذکر شده، ثالثا این درست است که مبارزه توده های مردم در میان اقشار رانالاسی جامعه از جمله اسکاسی میباشد، لیکن



بنیاد از صفحه ۱۲۰

صورت گرفته و خطر کودتا انقلابات سیدمه تمام آنان را تهدید میکنند، صحبت شده و در آخر میتوان یکی از وظایف از لزوم شکل خلقهای آن کشورها برای جلوگیری از کودتاها سخن رفته است. طرح اینکه "بدون رهبری طبقه کارگر خلق متشکل نخواهد شد، از جمله برداشتهای نادرست و غیرواقعی از اصول مارکسیسم لنینیسم است. طرح کلی یک اصل درست آنهم در مقاله ای که پیرامون انقلاباتی صحبت میکنند که بدون رهبری طبقه کارگر نتوانسته اند قدرت سیاسی را بکف آورده و استقلال سیاسی از امپریالیسم بدست آورند، نه تنها دردی را دوا نمیکند بلکه سبک الگو و راستفاده از اصول مارکسیسم را میرساند. آری رفیق عزیز شما از خود نپرسیده اید که چگونه انقلاب در کشورهایی چون گینه بیسائو، نیکاراگوا، کوبا، ایران و... بدون رهبری طبقه کارگر نتوانسته است قدرت سیاسی را بدست آورد. آیا این انقلابها بدون شکل خلق صورت گرفته است؟ خلق میتواند بدون رهبری طبقه کارگر متشکل شود، میتواند انقلاب کند، قدرت سیاسی را بدست آورد، لیکن آنچه رفیق ما در نظر گرفته این درک درست از اصل مارکسیستی است که میگوید بدون رهبری طبقه کارگر انقلاب (چه دمکراتیک و چه غیره) در عصر امپریالیسم نمیتواند پیروز گردد و اهدا فخر در اسیرانجام برسانند. بخش آخر سوال رفیق را بطرح این سوال از رفیق پاسخ میدهم: "چگونه بورژوازی ملی ایران و خرده بورژوازی با تهمی مغایرتی که شما طرح کرده اید، مردم ایران را در انقلاب دوم شان رهبری کرد؟"

* * * نامه ای همراه با چندین پیشنهاد و سوال بدستمان رسیده است. برخی از این پیشنهادها در چندین شماره گذشته حقیقت مورد توجه قرار گرفته است. به ما برپیشنهادها این نامه نیز تا حدی که

مخورد خواهد بود توجه خواهد شد. در انتهای نامه دوسوال بدین ترتیب طرح شده است:

۱ - آیا فرقی بین اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه آزادی است و اگر هست بجه معنای است و مفهوم هر کدام یعنی چه اردوگاه سوسیالیسم در مقابل اردوگاه آزادی؟

در پاسخ

به سوال فوق با یادآوان کرد که منظور نویسنده از اردوگاه آزادی روشن نیست. تاکنون چنین واژه ای در شواهد شجاعت سیاسی معمول نبوده است. بهر حال اگر منظور از اردوگاه آزادی، واژه "دنیای آزاد" است، که با یادگفت "دنیای آزاد" واژه ساخته و پرداخته تبلیغاتی امپریالیستهاست. این واژه که پس از جنگ جهانی دوم مرسوم گشت در برابر اردوگاه سوسیالیستی آن زمان برای فریب توده های مردمی که تحت استعمار و ظلم و ستم امپریالیست ها قرار داشتند بکار میرفت. از یکسو تبلیغات دروغین مبنی بر نبود آزادی وجود و استبداد و... در اردوگاه سوسیالیستی آن زمان صورت میگرفت و از سوی دیگر اردوگاه امپریالیستی را بتوان "دنیای آزاد" در برابر مردم ترسیم مینمود. از این لحاظ تفاوت اساسی میان این دو اردوگاه روشن است.

لیکن اردوگاه سوسیالیسم، آنگونه که پس از پیروزی نیروهای انقلابی در شوروی و اروپای شرقی طی جنگ جهانی دوم معمول گشت، بمعنی اتحاد آزادانه کشورهای که با انقلاب و پیروزی فاشیسم هیتلری دست به تشکیل آن زده بودند می باشد. این کشورها در آن زمان شامل اتحاد جماهیر شوروی، چین توده ای، لهستان، چکوسلواکی، آلبانی، رومانی، بلغاریستان، یوگسلاوی، مجارستان، کره (شمالی) ویتنام (شمالی)، آلمان دمکراتیک، جمهوری

مغولستان میشد. اساس این اردوگاه را کشورهای سوسیالیستی آن زمان و حمایری توده ای آن زمان تشکیل میدادند. در عین حال جنبش های آزادیبخش و جنبش های کارگری نیز در این اردوگاه های سوسیالیستی گشتند. لیکن با انشباب در این اردوگاه که نقطه اوج آن در اوائل سالهای ۱۹۴۰ شکل گرفت و منجر به غلبه نیروهای ارتجاعی بر اکثر کشورهای سوسیالیستی گشت، این اردوگاه به معیاریت دیگر این اتحاد از میان رفت. از آن پس تاکنون تنها ریزبونیستی از روشنی از اردوگاه سوسیالیسم "که دیگری اردوگاه سوسیالیسم امپریالیسم تبدیل شده بود، بعنوان یک واقعیت موجود به ما یادآور کشورهای "سوسیالیستی" دم میزنند.

در عین حال در زمان انقلاب اکتبر پس از پیروزی آن انقلاب، لنین رهبر پرولتاریای چیان، از پیدایش دو اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیسم سخن رانده است با پیروزی آن انقلاب اولین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی در تاریخ بشریت شکل واقعتی بخود گرفت و در برابر برخورد جهان متشکل امپریالیسم را داشت، وجود چنین کشور سوسیالیستی که بین حاکمیت طبقه کارگر در یک کشور بود، به یک تضاد اساسی دیگر در جهان شکل داد که همان تضاد میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی میباشد. با این تضاد لنین با استناد به این واقعیت دوروند در جهان معاصر را به مثابه راه سوسیالیسم و راه امپریالیسم ترسیم نموده و جهت گیری انقلابی اولی و جهت گیری عقبگرا و محض دومی را خاطرنشان ساخت.

بهر حال، آنچه امروزه دارای اهمیت میباشد، یک اینکه اردوگاه سوسیالیسم به مثابه اتحاد کشورهای سوسیالیستی وجود ندارد، و اینکه راه سوسیالیسم در برابر امپریالیسم کماکان تنها راه پیروزی است. شما رنده گان و ستمدیدگان در برابر قوای ارتجاع و امپریالیسم بین المللی است.

سوال بعدی این رفیق و سایر سوالات را در شماره های آینده پاسخ خواهیم داد.



گزارشی از اردوی

بقیه از صفحه آخر

برای این اردو مسر خود را تغییر میدهد، و بنا بر خان تشقائی، سهراب کتکولی و پسرش را ما مورمذا کرده با سداران می نماید. سهراب کتکولی و پسرش مسلح در کنار جاده می ایستند و رواننده خود را سطر ف با سداران (قبر) میفرستند. نا شب از رواننده، سهراب خان کتکولی خبری نمی شود. تا اینکه سهراب خان و پسرش از دور نور چراغهای ماشینهای می بینند و خیال آنستکه ماشین خودشان اسبست، از پناهگاه خارج میشوند که در دم توسط با سداران که در ماشین بودند، بدرک واصل میشوند. با سداران راننده آنها سارا آزاد میکنند که وی به اردو رفته و جانها را از ما حرا حمر میکند. حسروخان تشقائی ما مشاهده احسادای دوحان زورکسو و تلدرهای آنها را سوسده و سم با دم میکند که بعضی گرفته و اسفا ما راستانند. البته طبی معمول اس تقاض وانتقام با سداران و زحمتگشان باز ساسده بود.

کشتن ۳ دهقان مبارز در ده هوز

"اردوی کودتا" پسرار کتبه شدن سهراب خان کتکولی و پسرش، به منطقه "هکام" کوچ میکند. اهالی ده هوز که در سردکی هکام میمانند، فوراً علیه اردوی حسرواس

سیخ میشوند. اهالی ده هوز از لحاظ ترکیب جمعیت هم تشقائی و هم فارس میباشند، که هر دو با فئودالها مخالف بوده و بر علیه آنها مبارزه میکردند. اندر هبری مبارزه دهقانی در این ده را ۳ برادر دهقان داشته اند.

خسروخان که از ایمن ما جرابا خبر میشود، یکی از مزدوران خود بنام "جهان پولاد خان" را به همراه ۲ تفنگچی برای دستگیری این ۳ برادر مبارز کسبل مبادارد. جهان پولادخان در نزدیکی ده با سنگر دهقانان روبرو میشود که همان ۳ برادر مبارز در آن سنگر گرفته بودند. با تیراندازی مبارزین به ماشین، جهان پولادخان و یک تفنگچی بخارج ماشین فرار میکنند که تفنگچی کشته و جهان پولادخان زخمی میشود. دهقانان از سنگر خارج میشوند که ناگهان تفنگچی دیگر که در ماشین مخفی شده بود آنها را به رگبار میزند. ۲ تن از برادران در دم به شهادت میرسند. تفنگ برادر سوم کبیر میکند، این دهقان نجاع با سنگر به مناله پسر محمدرد، ولی بالاحره به شهادت میرسد. پس از شهادت اس ۳ برادر دهقان، خسروخان دستور غارت اهالی ده و خلع سلاح آنها را میدهد، که گویا تا کنون ۱۵ دهقان را خلع سلاح کرده اند.

سدار کشته شد. سهراب کتکولی و درگیری ده هوز، آبت اله محلاتی با هلیکوپتر به اردوی آید، و با سرجان به کف سگومنشند، وی با ذول دادن ستریس و کاروشل و... به جوانین ۳ تن کروکان اردو (بخشدار و ۲ یا سدار) را پس میکرد.

جوانین تشقائی هم همان معمول با حوس سار هسند. دهقانان را حانده حرات میکنند و مقدسبات کودتاگری و با وظطامی و

سازش خفت بار...

بقیه از صفحه ۲

و نیز جلب رضایت دو قدرت بزرگ روس و انگلیس برای استخدام ما مورین خارجی و نیز پرداخت هزینه قشون اشغالگری سراری شده بود، بالاحره با بستن مجلس موفق شد تا هم ملت را به ذلسنت بکشد و هم تمام حجت روس را قبول نماید. حال ساید کفمت وای به حال این مجلس که حتی لازم به بستن آن نبود تا در برابر فشار آمریکا سرخم کند. این مجلس وقاحت را تا به آنجا کتا ندکسه سحت پیرامون مسئله کروکانها را با رای گیری و جلب نظر اکثریت حتی جزء مسایل سیاست خارجی ایران بداست و بحث پیرامون کروکانها را با چماق رای تعدادی زورکوی حزبی وعدهای متزلزل و ترسوی دیگر خاشته داد.

روزنامه کیهان ۲۵ دی در گزارش مذاکرات مجلس می نویسد:

"طبق آئین نامه داخلی مجلس چنانچه موارد مذکوره از مسایل مهم خارجی باشد کفایت مذاکرات شامل آن نمی شود به این دلیل هاشمی رفسنجانی این موضوع که مسئله کروکانها از موارد سیاست خارجی است یا خیر را به رای گذاشت که مجلس ایمن موارد را بعنوان یک مسئله مهم سیاست خار... حی نپذیرفت."

آنگاه میگویند که آمریکا شکست خورد، تسلیم خواسته های ایران شد، و کذا و کذا. ولسی میگویند که بر دل و ترسوهایی بیش نیستند که در برابر فشارهای آمریکا حتی آشکار مفساد قانونی دستبخت خودشان را هم زیر پا گذاشته اند! ما در این باره باز هم خواهیم نوشت.



بحر به ایران را برای آمریکا فراهم می آورند. و مقامات روحانی و غیر روحانی جمهوری اسلامی هم بد آنها می دهند! ساسط اس اردو با یدیرجسده سسود!

حزب توده...

بقیه از صفحه ۲۴ —
ادبیات دیپلماتیک خاورمیانه
"تضمین" در همه جا بمفهوم
تضمین مرزهای این برای
اسرائیل بکار برده میشود.

در سال ۱۹۷۴ لیونوکا —
نف، رئیس هیئت تحریریه روز
نامه "روسی ایزوستیا، در مقام
لهای اعلام نمود که بمناسبت یک
هدف تاکتیکی "جنبش
فلسطینیان... باید تلاشها
بین المللی برای پیدا کردن
راه حل عادلانه، تفا دخاله
نه، جوش بخورد"، یعنی بطور
تاکتیکی انقلاب جای خود را به
طرحهایی از جمله طرح "راجرز
— کرومیکو" بدهد.

در سال ۱۹۷۶ نیز برژنف
در گزارش خود به کنگرس ۲۵ حزب
جنین گفت:

"در تمام این سالها،
اتحاد شوروی بطور بیکیفر از
مبارزه ملل عرب در راه بر
انداختن بی آمدهای تجاوز
اسرائیل پشتیبانی کرده است."
(تاکید از ما است). این "بر—
انداختن" بی شائبه به آن
"سرنگونی" مورد بحث در مقام
له نیست!! و ادامه میدهد "...
علاوه بر این استقرار صلح بایدار
در خاور نزدیک مستلزم تضمین
امنیت تمام کشورهای ایسین
منطقه... تیز هست." (تاکید
از ما است) — این به معنای
نصیب امنی اسرائیل بپس
هست... ماده ایسم
در مصیبت بین المللی امنیت
ومصونیت مرزهای تمام کشورهای
خاور نزدیک... شرکت ورزیم

... ما هر ادا را بجا در ایست
لازم برای گسترش مناسبات با
تمام کشورهای خاور نزدیک
هستیم و علیه هیچیک از آنها
پیشداری نداریم... (تاکید
از ما است) آری، "رفیق سرژنف"
آمدگی خود را برای حفظ مو—
جودیت دولت صهیونیستی
اسرائیل، تضمین مرزهای
امن برای آن و پایداری کردن
حقوق مردم فلسطین اعلام می—
نماید و در مورد اسرائیل، تاریخ
روشن امپریالیستی آن و مغو—
له صهیونیسم نیز هیچ پیشداری
ندارد. (نقل قولها از گزارش
مختصر شده، کنگرس ۲۵ — حزب
توده ۱۳۵۵ — صفحه ۱۱، بردا—
شته شده است).

پس هیچ ننجیبی ندارد که
به پیروی از ارباب، حزب
"کمونیست" اسرائیل نیز
پیشداری های ذهنی را کنار
گذاشته و سالها ضمن همزیستی
با صهیونیستها به فریب دادن
اعراب و مخالفت با انقلاب و
مبارزات مسلمان مشغول گردد
و حزب توده هم آنها را تحت عنوان
یک "سازمان برانداز" در
نشریه "مردم" به دروغ جا
بزنند.

این مسائل با توجه به
آخرین تحولات مربوط به سیاست
ابرقدرت روس در مورد اسرائیل
روشنتر میگردد:

بدنبال مهاجرت ۶۰۰۰۰۰
یهودی از اتحاد شوروی به اسرا—
ئیل در ده ساله گذشته، تنها
طی ۹ ماه اول سال ۱۹۸۰ تعداد
۱۶۰۰۰۰ یهودی از شوروی به
اسرائیل فرستاده شد تا در
کیبوتصهای ساخته شده در سر—
زمینهای اشغالی عربی و
موسسات سرکوبگر اسرائیلی
(ارتش و...) به کار گرفته
شوند. طبق گزارش مندرجه در
کیهان یکشنبه ۱۶ شهریور امسال
(از قول رادیو اسرائیل)،
قرار است ایتراخاک شمیر وزیر
خارجه اسرائیل بزودی عازم
آمریکا شود. وی در این سفر
سعی خواهد کرد به منظور احیای

روابط دیپلماتیک بین این
رژیم ورژیم مسکوبا مقامات
روسی تماس حاصل نماید.
بقول رادیو اسرائیل، شمیر
امیدوار است در جریان دیدار
وزرای خارجه کشورها در ماه جاری
یعنی به هنگام گشایش احلاسیه
مجمع عمومی سازمان ملل با
مقامات روسی در نیویورک
ملاقات کنند.

بدین ترتیب زمره های
ایجاد روابط عادی مابین
شوروی و اسرائیل بگوش میرسد
و ما تعجبی نخواهیم نمود که در
صورت جلورفتن سیاست جناح
پرزدر دولت آینده، اسرائیل
با توجه به اینکه شوروی "هیچ
پیشداری" در مورد هیچیک از
کشورهای منطقه ندارد، پس
از ایجاد روابط با شوروی حزب
راکاخ اسرائیل را تمام و کمال
بعنوان یک کشور سوسیالیستی
قبول نماید. و "سرنگونی"
"قهرمانانه" دولت محترف
بکین را نیز بعدها یک انقلاب
بخوانند!!

عمق انحطاط راکاخ

عمق انحطاط این حزب
در پیروی از سیاستهای امپرو—
یالیستی شوروی زمانی بهتر
درک میشود که به شرایط کنونی
فلسطین آشنا شویم. مناطقی
اشغالی پس از جنگ ۱۹۶۷،
امروزه بیکپارچ آتش است و
این انبار باروت در شرف
انفجار کامل قرار دارد. قریب
به دو سال است که مناطق ساحل
غربی رود اردن و کلیه مناطق
عرب نشین تحت حاکمیت اسرا—
ئیل شاهد تظاهرات های گسترده
و اعتصابات عمومی و فزاینده—
ای است که سحران مینسوان
گفت از سالهای ۳۹ — ۱۹۳۶ تا
کنون سابقه نداشته است. در
این دو ساله، اخیر هیچ اتوبوس
اسرائیلی که از مناطق عرب
نشین عبور میکند از سنگ پرانی
کودکان فلسطینی در امان

نبوده است، عملیات مسلحانه
پراکنده توسط گروههای خود
جوش جوانان عرب مشاهده شده
است، و مدارس فلسطینی و
دانشگاههای اسرائیلی نیز
داثما دستخوش اعتصابات گس—
دیده است. در سال ۱۹۸۰ تولید
صنعتی اسرائیل ۴/۵٪ کاهش
یافته و بیکاری به نسبت سال
۶۷،۷۹٪ بیشتر شد، کسروازنه
پرداختها به ۳/۲ میلیارد دلار
رسید و به کار ریهای خارجی سه
۱۷ میلیارد دلار بالغ گردید،
به همراه تورم ۱۴۰ درصدی قیمت
مواد غذایی ۱۸۰٪ افزایش یا—
فت و افزایش بهای سرسام آور
منازل نیز ادامه یافت. در
همین حال افزایش ۱۹ درصدی
خرید لوازم جنکی مزید بر علت
شده اقتصاد اسرائیل را بسوی
فاجعه و ورشکستگی میکشاند.
اینگونه شرایط اقتصادی بعلاوه
بحرانهای سیاسی بی سابقه در
میان احزاب حاکمه و حاکمیت
بین المللی صهیونیسم به همراه
رشد آگاهی زحمتکشان و مسردم
یهودی اسرائیل، باعث گس—
ر است که در یکسال گذشته
هیچ روزی بدون یک اعتصاب
همگانی در یک حرفه و صنف خاص
سپری نگردد. تعداد فزاینده—
ای از عناصر مترقی یهودی به
ویژه در دانشگاهها، در اعتصا—
بات و تظاهرات فلسطینی ها
شرکت مینمایند، جنبشهای
لیبرالی خواهان صلح بصورت
اعتراضات گوناگون از جمله
چندین تظاهرات گسترده در سال
گذشته بروز مینمایند. تلویز—
یون اسرائیل و مطبوعات داخلی
و خارجی خیرا ز افزایش نارضا—
یتی در میان سربازان و بسیاری
از سربازان از اجرای دستورات
فرماندهان مبنی بر سرکسوب
اعراب سربازان میزنند و...

بدین ترتیب فلسطین به
آستانه، یک انفجار انقلابی
نزدیک میگردد. در چنین شرا—
یطی است که حزب رویزیونیست
راکاخ بجای یادادن ورهبری
بقیه در صفحه ۱۹

حزب توده...

بقیه از صفحه آخر... برسر "سرنوشتی دولت صهیونیستی" نبوده و مسئله فقط سر کناری دولت بگین است. حزب رویزیونیست اسرائیل (راکاخ) در زمانی این خواسته را بعنوان هدف بزرگ خود در نوزدهمین کنگره، خویش بیان کرده است که دولت بگین در نتیجه افتتحات و معضلات فراوان اقتصادی - سیاسی از جمله تورم ۱۴۰ درصدی در آستانه استعفا قرار دارد؛ در سه ساله گذشته وزیر خارجه موشه دایان و وزیر دفاع عزرواز من از کابینه استعفا دادند. در نوامبر گذشته دولت بگین فقط با تفاوت ۳ رای از پارلمان رای اعتماد گرفت و در زمان این موضع گیری حزب "راکاخ" (مدرجه در روزنامه "مردم") با تهدید به استعفا یک یا دو وزیر دیگر در نتیجه از میان رفتن رای متحدین این وزراء در پارلمان چندین رای دیگر را از دست داده و عملاً در آستانه سقوط قرار میگیرد. کلیه روزنامه ها و آمارگران صحبت از شکست مفتضحانه بگین در انتخابات زودرس بعدی کرده و از پیروزی بزرگ حزب "کارگر صهیونیست" به رهبری پروز (Perez) مینمایند، و پیش بینی می نمایند که بگین خود استعفا بدهد. آری در چنین شرایطی است که برادران نسبی حزب توده هدشان سرنوشتی آقای بگین میسود. عجب نهامنی!! بخصوص ما توجه به این که این مبارزه تاریخی برای

دران حزب توده دقیقاً در جهت روی کار آمدن گروه دیگری از صهیونیستها خواهد بود که سابقه درخشانی در سرکوبی خلق فلسطین داشته اند (ژنرال پرزادامه دهنده، راه بین گور- بیون، اشکول، گلداما پیرو...) که گویا بنظر حزب توده و حزب راکاخ این همدست تاریخی صهیونیستها که سالهاست در پارلمان اسرائیل به مغالطه با نژادپرستان صهیونیست مشغول است، نماینده "بوزواری... نبود و گویا نماینده کارگران نذوفدا میربالیست!!

حزب راکاخ
همدست صهیونیستها

حزب راکاخ مدتهای مدیدی است که در پارلمان اسرائیل در چهار رچوب حکومت صهیونیستی مشغول بکار بوده و با دربر گرفتن جمعی رویزیونیست و صهیونیست طرفدار روس به فریفتن مردم عرب و مخالفت با مبارزات مسلحانه انقلابی خلق فلسطین مشغول بوده است. این حزب در چهار رچوب مبارزه برای گذار مسالمت آمیز به سویالیسم سوسیله، شعارهاشی انحرافی و با قبول حاکمیت صهیونیسم بر سرزمین فلسطین در کناره صهیونیستها زندگی مینماید. در این حزب آنچه "جوانقلابی"!! حکمفرماست که گروهی از رهبران آن از جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل پشتیبان نسبی نمودند!! راکاخ آنچه "مدافع" حقوق فلسطینیهاست!! که شدیداً از طرح امیربالیستی "راجرز-گرومیگو" با طرح دولت کوچک فلسطین که با توافق آمریکا و شوروی مطرح گردید پشتیبانی نمود!! و بدینوسیله خواستار بقای حاکمیت صهیونیستی بر اسرائیل و رسمیت شناختن آن از جانب اعراب و خلق فلسطین شد. راستی

که حزب توده برادران تنی اش را خوب مینماید.

حزب راکاخ
عامل
امپریالیسم روس

اما تمام سیاستهای حزب راکاخ که در بالا برشمردیم ناشی از سیاستهای ارباب سرگ آرن، حزب رویزیونیست شوروی است. حزب رویزیونیست شوروی سالهاست که در جهت ضربه زدن و به زیر فرمان درآوردن جنبش فلسطین میکوشیده است و حزب راکاخ عامل این سیاستها و اهداف در درون اسرائیل بوده است. روسها در آغاز پیدایش جنبش فلسطین، مبارزات و مبارزین فلسطین را تحت عناوین "افراطیون"، "اعمال افراطی"، "غارنگران"، "ذهنیگرایان"، "آوانتور" ریمنا مسئول" و "دیدگاه شروتسکیستی" محکوم نمود. زمانیکه علیرغم تمام این سرکونها مبارزات مسلحانه خلق فلسطین شکوفا گردید روسها سعی نمودند از طرفی با فروش اسلحه (آنهم به قیمتهای گزاف) و از طرف دیگر با نجواهای اصلاح طلبانه آنها را وابسته بخسود و سر به راه نمایند. تلاش روسها برای کشاندن جنبش فلسطین به قبول طرح "راجرز-گرومیگو" و قطعنامه ۲۴۲ شوروی امنیت و گردن نهادن به سیاست "نه جنگ و نه صلح" ساختند و برداشته آمریکا و شوروی بسیار آشکارا روسی برده صورت گرفت. حتی در نطقی با دگورتنی رئیس جمهور وقت شوروی در رابطه با مسئله تجار و منازعات در خاور میانه اظهار داشت "در باره مسئله خاور میانه، دلم نمیخواهد در این مورد بحث کنم که کدما میک متجاز است، زیرا که اساس مسئله این نیست." (تاکید از ماست). که روشی

مینماید این "دلم نمینماید" حتی بخاطر رودرپرسی های دیپلماتیک هم نبوده بلکه به "اساسی نبودن" مسئله مربوط میشده است. برزف در سال ۱۹۷۱ در گزارش خود به کنگره ۲۴ حزب رویزیونیست روس بیانات زیر را ارائه داد:

"تل آویوا پدو واقع بین باشد... و سرزمینهای اشغال را رها نماید." شوروی حمایت فاطح خود را از دوستان عرب خود اعلام میدارد. کشور ما آماده است که در کناره رسا بر قدرت هائی که اعضای دائم شورای امنیت هستند برای ارائه تضمین هائی در جهت راه حلهای سیاسی در خاور میانه قرار بگیرد. همینکه این (راه حلها) به نتیجه برسند ما فکر میکنیم که قدمهای بیشتری بخمسود در رابطه با تنش زداشی نظامی در منطقه و تبدیل مدیترانه به دریای صلح و همکاری های دوستیانه قابل بحث باشد." (ص ۳۱ گزارش کامل کنگره ۲۴ چاپ انگلیسی - تاکید از ماست) برزف سپس بعنوان پیشنهاد داد که کنگره در مورد وظایف سیم المللی ۶ مسئله را مطرح میماید که نخستین آنها چنین است:

"از میان بردن شرایط حاد جنگی در آسیای جنوب شرقی و خاور میانه و پیشبرد راه حلهای سیاسی در این مناطق بر اساس احترام برای حقوق حقه دولتها و خلقهای مورد تجاوز." (ص ۳۷ گزارش - تاکید از ماست) در هیچ جای این کنگره صحبتی از مبارزات مسلحانه خلق فلسطین و غیره نیست، هر چند این مبارزات در فاصله کنگره های ۲۳ و ۲۴ توجه جهانیان را در نبردهائی جسون گرامه و... بخود معطوف داشت. در عوض همه جا صحبت از "راه حلهای سیاسی" و تضمینهاست. توجه داشته باشید که در صفحه ۲۴

درباره ترور...

بغیر از صفحه آخر...
بخش می نماید منی سربازیکه
کویا پرویز صرغامی (پسر دیکر
محمدخان) وی را کشته است
ولی چون تظنیه برای همگان
روس بود و امکان آسوب در
منطقه می رفت، سپاه طوسی
اطلاعه های پی در پی اعلام کرد
که صدکشتن محمدخان صرغامی
را نداشتند و چون وی "مقاومت"
کرد، کار به اینجا کشید.
بهر صورت، آنچه که از
قرائن بر می آید آنستکه برخلاف
صور عده ای، ترور محمدخان
صرغامی حاصل یک حرکت ضد
شودایی نبوده، بلکه بیشتر
شیخه دعواهای جناح سیدسپاهی
مخلف شودایی در فارس و
مناقب دسه سیدسپاهی سیاسی
در ایران بوده است:

محمد خان صرغامی
که بسود؟

محمدخان صرغامی از پسران
رکان ایل با صری و رئیس ایل
حصه بود. وی زمانی یکی از
سرکره های ملاکان فارس بود.
در اطلاق ارضی بخش مهم
رسمیانش را فروخت و سگ ده
احمدآباد را ملاکش در سرحد
چهار دانگه سیرتقسیم شد. در این
اواخر سینه یک ده تمام مصر-
الدشت برای وی باقیمانده
بودا هسندگسار زمین.
دردوران احمر که حضرتسپاهی
دهقانی اوج گرفته بود، هسند
هکسار زمین هانش (طسعیسا
سدریس ویا مرعوب ترین زمین

ها) را در سن عده ای از زارعین
تقسیم کرد.

دردوران شاه، محمدخان
صرغامی مجموعاً ۱۵ سال را در
زندان گذراند. تصادف با شاه
بشیرا رحبه، ایللی - شودا -
لی بود. تا آنجا که او تصایب
حکایت میکنند، وی وابسته
به هیچ قدرت خارجی نبوده
است. دردوران حکومت
دکتر مصدی از وی در مقابل
دربار حمایت میکرده است.
محمدخان صرغامی در زندان
با افراد دوجریات سیاسی
آشنائی پیدا کرده بود. خصوصاً
با افراد سربک به حزب نبوده
سزدیکی داشت.

دردوران پسران قسام
وی هیچگاه نداد رودسه، نشود.
دالی خسروخان و نا خسروخان
قتقانی سپهت و همواره با
آنان در تضا بود. با احتیاط
کار آنها در زمان سال گذر
سنه (سال ۱۳۵۸) نه زد و خورد
صلحا به سیر کشید. محمدخان
صرغامی، دارودسته قشقایی ها
را آمریکا بی صداست، و با
استکه خود را جمهوری اسلامی
عموماً و با ولایت فقه و حکومت
روحانیون خصوصاً، در تضاد بود
ولی هیچگاه به علیه جمهوری
اسلامی با صفائی ها کار راست -
مدوی آخرین سینه دستمال -
بی ها را برای همکاری (کسه
پس از کشته شدن سهراب خان
کتکولی و پسرش از اردوی کوه -
دسای قشقایی ها و حیدرورپس
از ترور محمدخان نده بود) وارد
نبود.

محمدخان صرغامی در
ساره، حکومتی "حل" تصاد
دهقانی، از نظریه سوز و زوا -
لسرالی سروری میگرد. وی
متعقد بود که مالکس با سیدحسی
ار زمینهای خود را پس عده ای
اردها با تقسیم کند (کاری
که خود او هم کرد) با سوا سید
قسمت عمده، زمینها را سرای
خود بیگا هدارید. در حقیقت این
عمل حشش دهقانی را بطور
موقعی ایت تسخیر، بطور کلی

صنواں اور ایک مالک لبرال
ارزبانی میبود.

محمدخان صرغامی یکی از
حواسی با نفوذ تارسی بود.
وی یکی از معدود کسانی بود
که منسواست سیدحسی و دستجات
صلح شودایی سازمان دهد.
از همین زاویه، از جهت نفوذ و
سدرسی که در منطقه داشت، مورد
توجه سروهای شودایی دیگر
و دسه سیدسپا و جناح سیدسپای
سیاسی در سطح جامعه بود.
دارودسته شودایی
صفائی سیدسپا منسواست سیدحسی
محمدخان صرغامی سوی خود
و متحد کردن وی در منطقه هسای
صدا ستلانی خود سازمان بود.
حواسی صفائی اردو حقیقت
برای امری که دادا سید اولاد
سحا طرا سیدکوی ارتقود توی -
الغاده ای در منطقه سرحد دار
بوده و هم چنین با محاسن
حکومتی سردارزای روانطی
بود و با وجود وی را در منطقه
سعیوان یک مخالف، آسپم
مخالفی که تا در به صلح کردن
سعدا در با دی سیدحسی علیه آن
ها است، برای مناسخ خود خطری -
ناک میدانستند. همین دلیل
هم حسی با حیدی فضل از سرور،
اروی صفائی ملحق شدن به
اردوی خود را دانستند که
مخالف حیدی محمدخان زویرو
سد. با سراسر سیدسپا سیدحسی
رسد که سرور محمدخان صرغامی
به حرکت حواسی صفائی
و سطورا زمان سردار سس
یک رتبه و یک مراسم صورت
گرفته است.

محمدخان صرغامی در عین
حال با حزب نبوده و او داسی
داشت. همسایه طور که تقسیم محمد
خان در زندان با سربکان
حزب نبوده است که سسران
حزب نبوده در فارس - کسائی
چون زرکیر، تادای زاده، سرور
فره مند بطور مرتب سسای در
سماں بودند. حسی یکبار یکی
از اعضای کمیته مرکزی حزب
نبوده سسران لشد - متر محمد
خان - سرکرده و با وی ملاقات

میگردد. منظور و مقصود حسی
بوده از این عمل، تشکیل یک
ساید شودایی متمایل به
روسه بود. اینکه ناچه حیدر
این کار موفق شد، نا سسای
هست و خواهد ماند. ولی روسی
است که حزب نبوده کوس می
کرده است با تضا دجادی که از
استداس حزب جمهوری اسلامی
و محمدخان صرغامی موحسود
بوده است، تحقیق حسد. ولی
مساله اینکه در این میان موجود
بود، این بود که محمدخان صر -
غامی با محلاتی و ارضی وی
بسی عدل، سازگان و...
حلاسه رتسای حزب جمهوری در
نمایش سربک بود و سطور سسر
که سسر سیدحسی با آنها متمایل
با سس. با توجه به سس
حادی که سس حزب جمهوری و
محمدخان موحسود بود (که در کد -
سسه سس دمای هم سس آنها
سجسده بود) و غلبه سس
احتمالی وی به جانب جناح
سی صدر، ممکن است که سرور
محمدخان صرغامی، سوطش ای
از جانب حزب جمهوری اسلامی
بوده باشد. (بعده از ترور، آسب
الله محلاتی با موسوی اردبیلی
در سهران سس میگرد. موسوی
اردبیلی به سس می گوسس
که اس سخن گوسس

بوده و ما دسور سسگری از
داده سوسم ولی حال کسه سس
مساسم
در حال، سرور محمد
خان صرغامی با سوطش ای از
جانب شوداییهای قشقایی
بوده و با سوطش ای از جانب
حزب جمهوری اسلامی، آسده
سنان خواهد داد که کدام دسته
این سوطش را سارک دید. اما
آنچه که مسلم است برخلاف
عقیده، برخی که اس حرکت را
"شودایی" نامیده اند، اعلا
اس حسی جنبه ای در آن مو -
جود سسده است. سس کردن اس
حسی عقیده ای، در عمل حسی
محدوس با حسی ادهاں دهقانی
سسه سساره، اصغی شودایی
سجسک دیکری نخواهد کرد.

گزارشی از اردوی کودتای آمریکائی

اردوی خوانین قشقائی در فارس

(۲)

ناصرخان و حسروخان قشقائی بیوست. ما برای کشته شدن وی بدینقرار برده است که سرگردگان "اردوی کودتا" تصمیم میگیرند که محل اردو را تعیین کنند.

اردو در منطقه ای بنام پیل شاه آباد (مظفری) در نزدیکی افریج بوده است. در حین کوچ متوجه مشوید که راه توسط پاسداران بسته شده است. بنا به پیغام در صفحه ۲۲

فعالتهای این خوانین مرتفع و وابسته و اعمال ضد دهنائی که انجام میدهد می بردازیم:

کشته شدن سهراب خان کشتولی و پسرش

سهراب خان کشتولی یکی از خوانین و نشو و نال های فارس میباشد که در صدد بستن انقلاب، به اردوی کودتای

کودتا "در حقیقت" های شماره ۸۸ و ۹۰ درج کرده است. این دو اسبابه کوشش های از

ناکنون ۲ گزارش از فعالیت های خانهای قشقائی در فارس تحت عنوان "اردوی

حزب روبرو نیست فرانسیه مدافع منافع پرور و آزی فرانسه

معمولا در کشورهای امپریالیستی، تعداد زیادی کارگر خارجی به کار مشغولند. امپریالیستها در دوران "رونی" اقتصادی، اجازه میدهند تا کارگران خارجی که عموماً از دستمزد کمتری برخوردار شده و در کارهای پست تری نسبت به کارگران همان کشوره کار کرده میشوند، وارد شوند. ولی در دوران بحران، علت بیکاری را بگردن کارگران خارجی حلوه دهد.

کشورهای امپریالیستی با بحران اقتصادی عمیق یا - سندی روبرو هستند. یکی از نتایج این بحران اقتصادی امپریالیستی، رشد بیکاری میباشد. بورژوازی همواره سعی میکند تا علت بحران را نه در وجود خود روابط سرمایه داری، بلکه در یک رشته عوامل خارجی وسی اهمیت جلوه گری سازد. بعنوان مثال سعی می نماید تا دلیل رشد بیکاری را، وجود کارگران خارجی حلوه دهد.

حزب توده

و متحدین صهیونیسم

دیگری است. در حین مربوطه آمده است که: "حزب کمونیست اسرائیل همه توان خود را برای شرکت در دو کار را، انتخابی مهم بسیج میکند. این دو انتخابات عبارتست از انتخابات سندیکائی در بهار ۱۳۶۰ و انتخابات "کنشت" (پارلمان اسرائیل) چند ماه پس از این تاریخ. حزب کمونیست اسرائیل در انتخابات خواهد جست. این حزب هدف انتخاباتی خود را سرنگونی دولت کنونی اسرائیل که نماینده بورژوازی بزرگ و حناح راستگرای "لیکود" به رهبری بگین است، تعیین کرده است. ... می بینیم که اصلاً صحبت

روزنامه "مردم"، ارگان مرکزی حزب توده در شماره ۴۱۲۲ (دو هفته ۱۳۵۹) خود شیخی ارائه داده است تحت عنوان "حزب کمونیست اسرائیل برای سرنگونی دولت صهیونیستی اسرائیل مبارزه میکند"؛ چنین عنوانی ابتدا هر خواننده، ناآگاهی را به این فکرو میدارد که حزب "کمونیست" اسرائیل، یعنی حزب سراسری حزب توده آنچنان انقلاب بی شده است که علیرغم اینکه مطابق قوانین جدید اسرائیل افراد مترقی و انقلابی و کسانی که از زمان آزادی فلسطین حمایت نمائند در سازمان حق آزادی میان و غیره محروم میگردد و اغلب طبق سنت تا ریحی اسرائیلیها، به همراه لغو تابعیت از کشور تبعید نیز میشود، شعار سرنگونی حاکمیت صهیونیستی را بلند کرده است. اما ما سیکه متن حسرت را بخوانید متوجه خواهید شد که جریان چیست

درباره ترور محمد خان ضرغامی در فارس

بهر گمانی که باشد، سبب ترور، سبب باسداران حسعلی ضرغامی (برادر محمد خان) و فرهاد ضرغامی (پسر محمد خان) را دستگیر میکنند و با سبب های

صبح روز هشتم دیماه (۱۳۵۹/۱۰/۸) یکی از سررگان ابراهیم باصری در فارس - در ملک شخصی خود در فرمالدشت، بدست یک گم عملیاتی سبب باسداران ترور می شود. محمد ضرغامی هنگامیکه از خانه اش خارج میشده، بدست تیسم عملیاتی باسداران که سرای ترور کمی کرده بودند،